

استاد پیرنیا، از نگاهی دیگر

مهندس زهرا طاقی، دکتر فرهاد فخاری تهرانی

نوشتار حاضر گزارشی تحلیلی از یک دوره هجده ساله مدرسه‌سازی (۱۳۵۰-۱۳۳۲) در تهران و حومه آن است، که توسط دفتر فنی اداره ساختمان وزارت فرهنگ سابق (آموزش و پرورش) به سرپرستی استاد فقید محمد کریم پیرنیا انجام شده است. دوره‌ای که در طی آن بیش از سیصد مدرسه ساخته شد که بعدها از طرف یونسکو به عنوان نمونه مدارس ارزان قیمت برای جهان سوم معرفی گردید.

عمده اطلاعات درباره این مدارس، که به علت تأمین بودجه آن از پنج درصد* عوارض دریافتی شهرداری تهران به مدارس صدی پنج معروف است، به وسیله مرحوم استاد پیرنیا در اختیار ما قرار داده شده، و نیز برداشت نقشه از تعداد شش مدرسه به عنوان نمونه مدارک تصویری اطلاعات فوق را تکمیل کرده است.

مقاله، با استفاده از اطلاعات به دست آمده، نحوه انجام طرح را در حول محورهای زیر مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است:

- اهداف طرح ؟
- چگونگی تأمین بودجه و مشارکت مردمی ؟
- مدیریت (مدیریت نیروی انسانی، مدیریت مالی، مدیریت فنی) ؟
- نقش معمار و نحوه نگرش او به اهداف طرح و معماری ؟
- ویژگی‌های معماری مدارس.

ص ۵۳



پیشگفتار:

آرزو داشتیم نوشتار زیر که در حیات جسمانی استاد پیرنیا تهیه شده در حضور او نیز ارایه شود. اما چنین نشد. شاید تقدیر چنان بود که معرفی استاد به عنوان معمار طراح و ارایه این خدمت بزرگ او به آموزش و پرورش کشور در حیات او مطرح نشود که او همیشه متواضعانه خود را فقط امانتدار فرهنگ معماری ستی و روایتگر آن معرفی می‌کرد و جز این برای خویش نقشی قایل نبود. چنان که در کلاس‌های خود هرگز اشاره‌ای به این مدارس نکرده بود. حتی تا قبل از تجلیلی که دانشگاه تهران از او به عمل آورد، کمتر کسی از وجود این مدارس و نقش استاد در آن اطلاعی داشت. زمانی هم که از او خواستیم جزئیات اجرای طرح را بازگو کند با همان تواضع همیشگی اصرار داشت که این کار بزرگ را حاصل اعتقاد، همدلی و همکاری صمیمانه تک تک افرادی بدانیم که به نحوی در آن نقش داشتند. سعی می‌کرد نه تنها نام هیئت امنا و معماران که نام سنگ تراش، نجار، شیروانی کوب، آسفالت‌کار و غیره را که همگی مردمی معتقد و ایثارگر بودند، به خاطر آورده و ذکر کند.

استاد پیرنیا انسانی وارسته بود که در کنار معماری به ما درس امانت، صداقت، سخاوت، تواضع و خاکساری داد. او رفته است ولی طعم دلپذیر کلام شیرین و مجلس گرم و بی‌تکلفش که از طبع بلند و اخلاص او سرچشمه می‌گرفت همیشه در مذاق جان ما خواهد ماند. روانش در جوار رحمت الهی شاد باد.





اهداف طرح :

نام مرحوم استاد پیرنیا همواره تداعی کننده معماری سنتی ایرانی و اسلامی بوده و ایشان به راستی شاخص‌ترین چهره معرفی کننده ارزش‌های اصیل معماری سنتی برای معماران معاصر ایران بوده‌اند. ذهنیت همگان از فعالیت‌های ایشان بیشتر در زمینه شناسایی و معرفی معماری اصیل ایران و حفظ و مرمت بناهای تاریخی است. اما ایشان به عنوان یک مهندس معمار، دوره‌ای از فعالیت حرفه‌ای خود را در وزارت آموزش و پرورش مصروف طراحی و اجرای مدرسه‌هایی نمودند که امروز پس از گذشت بیش از چهل سال، با بررسی ویژگی‌های هر یک می‌توان درسی نو از استاد گرفت، و حاصل پژوهش‌های ایشان را در زمینه اصول و روح معماری اصیل ایران در آثاری متعلق به زمان حاضر شناسایی کرد.

اهداف طرح :

در سال ۱۳۳۲ در وزارت فرهنگ آن زمان (آموزش و پرورش فعلی)، با همت و کوشش مرحوم رضا مزینی که در آن زمان مدیر کل و معاون اداری آن وزارتخانه بود، تصمیم گرفته شد تا جهت تامین فضای آموزشی برای تحت پوشش در آوردن کودکان لازم‌التعلیم در محدوده تهران و حومه، تعداد زیادی مدرسه ارزان قیمت، با استفاده از کمک‌های مردمی، ساخته شود. طبیعی است که در طرح مزبور، سرعت اجرای مدارس نیز مد نظر بود.

اهداف فوق نه تنها محقق شد، یعنی از سال ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۰ بیش از سیصد مدرسه ارزان قیمت در سطح تهران و حومه با مشارکت احداث گردید، بلکه به دلیل وجود معمار هوشمند و متعهدی در رأس طراحی و نظارت، این مدارس از وجه طرح و اجرا از کیفیت بسیار مطلوبی برخوردار شدند.

بررسی عوامل زیر می‌تواند در روشن شدن علل موفقیت طرح موثر باشد :

- ۱- نحوه تامین بودجه و مشارکت مردمی ؛
- ۲- شیوه مدیریت ؛
- ۳- نقش معمار و نحوه نگرش او به موضوع طراحی و حفظ اهداف کلی طرح ؛

تامین بودجه و مشارکت مردمی :

نحوه شکل‌گیری این مدارس، از اعتبار و بودجه، تا طراحی و اجرا و اتمام آن‌ها به گونه‌ای بوده است که امکان ساخت بیش از سیصد وسی مدرسه را در مدت زمان حدود هیجده سال در تهران و حومه فراهم ساخته است. مدارسی که بعدها از طرف یونسکو به عنوان مدارس نمونه ارزان قیمت برای کشورهای جهان سوم شناخته و معرفی شد. در گفتگویی که در زمان حیات پربار استاد پیرنیا در اسفند ۱۳۷۳ با ایشان به عمل آمد، استاد نحوه انجام این کار بزرگ را که حاصل آن تعداد زیادی مدرسه است که هنوز هم پس از گذشت سی الی چهل سال با کیفیت خوب به حیات خود ادامه می‌دهند و از بسیاری از مدارس دیگر که بعدها با صرف هزینه‌های زیاد ساخته شدند از جمیع لحاظ برتر و شاخص‌ترند، تبیین فرمودند. دو ماه بعد از تاریخ ذکر شده تعدادی از این مدارس توسط دانشجویان دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهیدبهشتی مورد برداشت (رولوه) قرار گرفتند. برداشت‌ها تایید کاملی بر اظهارات استاد بودند و مطالعه گزارش آن برای جمیع معماران به ویژه معماران جوان بسیار آموزنده است.

شکی نیست که مدیریت صحیح و قوی، تعیین کننده‌ترین نقش را در موفقیت هر فعالیتی به ویژه کارهای جمعی و اجرایی ایفاء می‌نماید. طرح ایجاد مدارس صدی پنج، زمانی مطرح شد که استاد پیرنیا مدیر دفتر فنی اداره کل ساختمان وزارت فرهنگ بود. اداره‌ای که بعدها به سازمان تجهیز و نوسازی مدارس

تغییر نام داد. در این دفتر، طرح تمام مدارس زیر نظر استاد پیرنیا، و بسیاری از آنها به وسیله خود ایشان تهیه می‌شد. در هنگام اجرای طرح مدارس نیز، درک صحیح ایشان از شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه، موجب ارایه شیوه‌ای از مدیریت گردید که حاصل آن تحویل میانگین سه مدرسه در هر دو ماه، در شرایط آن زمان بود. از آنجا که شیوه کار ایشان در مدیریت با نگرش او به اهداف طرح و معماری مرتبط است، در جای خود به آن نیز پرداخته خواهد شد.

معمار و نحوه نگرش او به اهداف طرح و معماری:

استاد پیرنیا پیش از آن که نقش خود را به عنوان مدیر فنی و مسئول اجرای طرح احداث مدارس ارزان قیمت ایفا نماید، نقش اصلی و تعیین کننده را به عنوان معمار و طراح در شکل‌گیری این مدارس با عنایت به جمیع جوانب اهداف طرح، برعهده گرفتند. اهداف طرح چه بود؟ ساخت مدارس ارزان قیمت به تعداد زیاد و در مدت زمان کوتاه. استاد پیرنیا با استفاده از ذوق سرشار، منطقی قوی و توشه‌ای که از تحصیلات خود در دانشکده و مهمتر از همه از تجارب که ضمن تلمذ نزد معماران سستی به دست آورده بود، به بررسی موضوع پرداختند. سیر تفکر منطقی و مبتنی بر اصول، نتایج مثبت و ارزنده‌ای را به بار آورد که در معماری و ساخت مدارس منعکس گردید.

ابتدا ویژگی‌های یک مدرسه خوب بررسی شد. مدرسه‌ای که از یکسو با عملکرد و نیازهای زمان خود مناسب باشد. همچنین نوع و تعداد فضاها و عملکرد مدرسه با توجه به مسایل بهداشتی، ایمنی، محیطی و غیره تعیین گردید. سپس ابعاد فضاها اعم از کلاس‌های درسی، راهروها، پله‌های ارتباطی و غیره با توجه به استانداردهای معرفی شده در آموزش



نوین، شناسایی شد. در این رابطه به جزئیات مختلف نیز مثل لزوم باز شدن در کلاس‌ها از درون به بیرون یا ضرورت نورگیری کلاس‌ها از سمت چپ دانش‌آموزان و ... توجه شد. در نهایت ویژگی‌های یک مدرسه مناسب، بدون در نظر گرفتن مسایل جنبی آن همچون ارزانی و یا سرعت اجرای آن تعیین گردید.

در مراحل بعدی، موضوع ارزانی مدارس مورد دقت قرار گرفت که نتایج حاصل از آن در ساختمان آنها منعکس شد که این امر مبین دیدگاه عمیق، روشن و متعهدانه استاد به این مساله بود.

موضوع ارزان تمام شدن کالا یا خدمات معمولاً با تصویری از تقلیل در کمیّت و کیفیت همراه است. لذا در مورد این‌گونه مدارس نیز می‌توانست با راه‌حل‌هایی همچون موارد زیر همراه باشد:

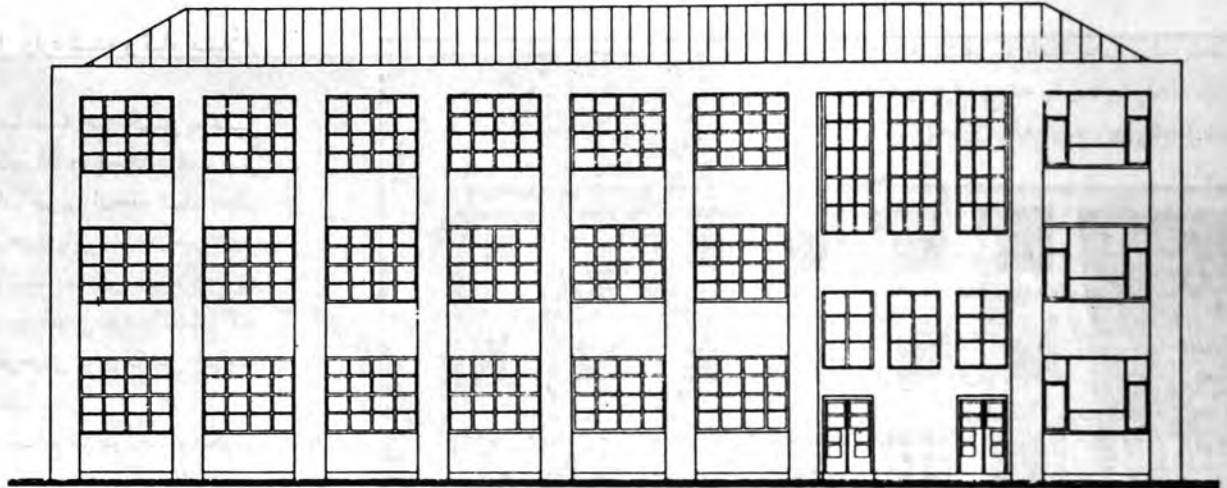
- ۱- حذف بعضی از فضاها؛
- ۲- تقلیل ابعاد بعضی از فضاها یا عناصر؛
- ۳- تقلیل کیفیت مصالح و استفاده از مصالح نامرغوبتر؛
- ۴- عدم توجه به اجرای صحیح جزئیات ساختمانی با هدف تقلیل مدت زمان ساخت و تقلیل هزینه

نیروی انسانی.

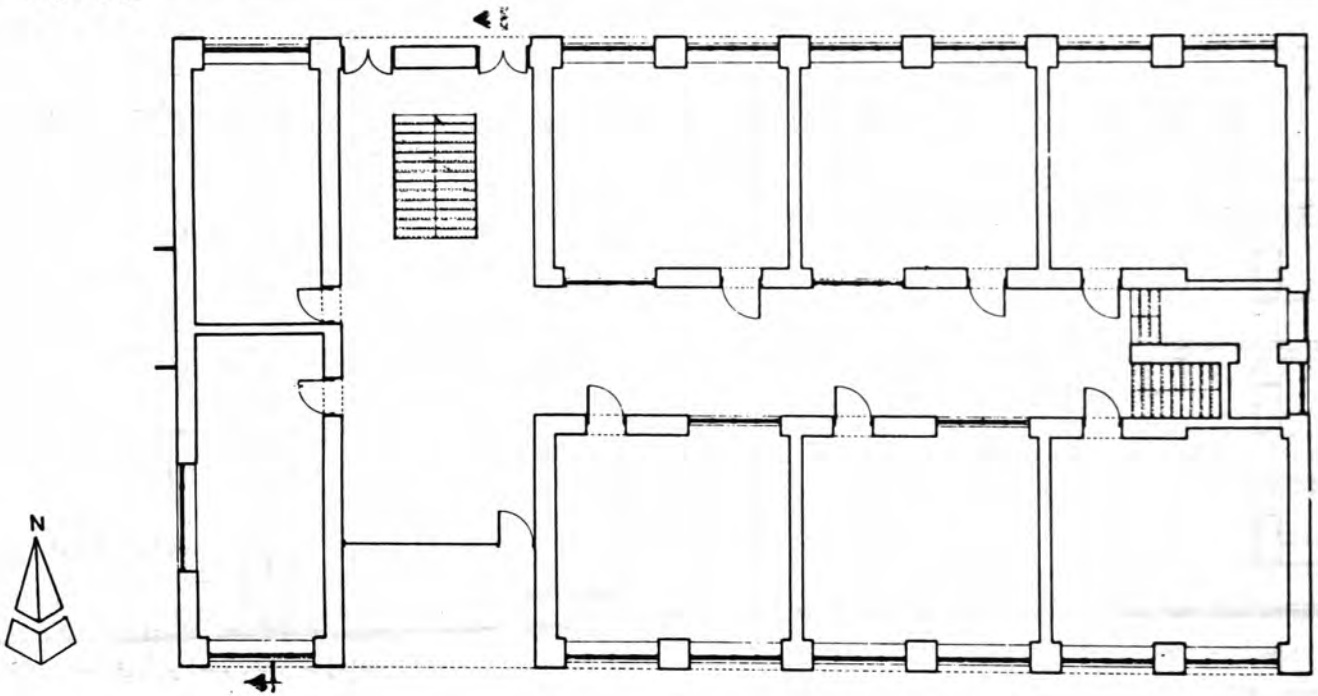
راه‌حل‌هایی که معمولاً با بحث ارزانی و سرعت اجرا ارایه می‌شوند و فوراً هم پذیرفته شده و به مرحله اجرا درمی‌آیند. اما استاد به موضوع ارزانی بودن مدارس از دیدگاه فوق توجه نداشتند. یعنی اولاً فضاهایی را که در تعریف یک مدرسه خوب لازم تشخیص دادند، تا حد امکان حذف نکردند^(۲). مثلاً در بیشتر این مدارس دو پله ارتباطی مجزا از هم وجود دارد، که شاید می‌توانست یکی از آنها به تسامح بیشتر به موضوع امنیت و سهولت حرکت حذف شود و مواردی مشابه آن. ثانیاً از ابعادی که در بررسی‌های کمی برای فضاها و عناصر مختلف مناسب تشخیص داده شد، نکاستند. مثلاً ابعاد کلاس‌ها که ۶/۳۰×۵/۴۰ متر تعیین شده بود، تقلیل نیافت. یا برای صرفه‌جویی در تعداد پله، به ارتفاع مطلوب هر پله که در مدرسه (به ویژه دبستان) ۷/۵ سانتیمتر بود، اضافه نشد و ...

این امر به خوبی مؤید این نکته است که استاد دقیقاً توجه داشتند که اگر با هدف ارزان تمام شدن کار، کمیّت قابل قبول فضایی را تغییر دهیم یا بعضی از اجزاء فضا را حذف کنیم آن‌گاه بدون شک د

نمای شمالی

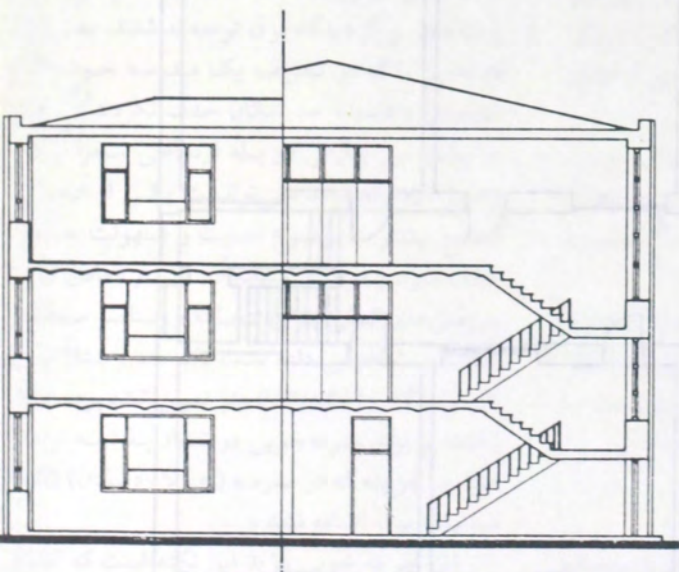


برش افقی طبقه همکف





مدرسه خبرگان



برش عمودی

کیفیت عملکرد آن خلل وارد شده و گاه عملاً از بهره‌وری خواهد افتاد.

در جزئیات اجرایی ساختمان نیز نگرش به همین گونه بود. به این معنی که مثلاً در اجرای سقف این مدارس که با سیستم طاق ضربی انجام شد، برای صرفه‌جویی در تعداد تیرها و پایین آمدن هزینه‌ها، فاصله تیرها را از ۹۰ سانتیمتر مطلوب به ۱۰۰ یا ۱۱۰ افزایش ندادند. زیرا به خوبی توجه داشتند که ارزانی قیمت نمی‌تواند توجیهی برای کاهش ضرایب ایمنی و استحکام بنا باشد.

در مورد استفاده از مصالح نیز در راستای نگرش فوق، توجه داشتند که کیفیت نازل مصالح تاثیر خود را مستقیماً بر عمر مفید ساختمان می‌گذارد و لاجرم آنچه در کوتاه مدت ارزان به نظر می‌رسد، با داشتن عمری کوتاه و نیز صرف هزینه‌های گزاف نگهداری و بازسازی، در دراز مدت بسیار گران تمام خواهد شد.

اما موضوع ارزان بودن مدارس همچنان مطرح بود و باید به آن جواب داده می‌شد. به این لحاظ ایشان به فکر راه‌حل‌های دیگری افتادند، که می‌توان آن‌ها را در دو محور زیر خلاصه کرد:

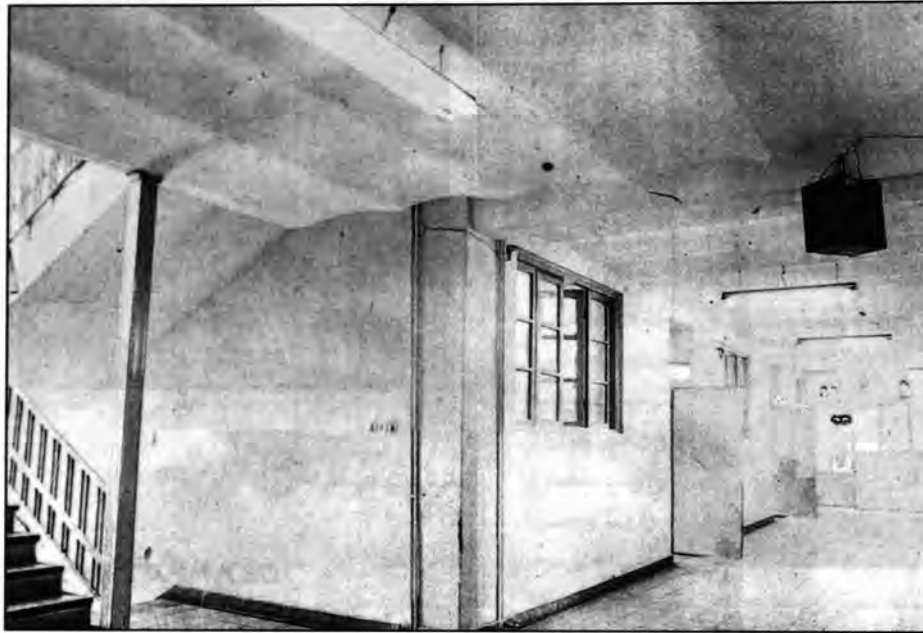
- ۱- یافتن راه‌حل‌های معمارانه که باعث کاهش هزینه ساختمانی می‌شد؛
- ۲- مدیریت اجرایی خاص که موجب افزایش سرعت کار با حفظ کیفیت می‌گردید.

راه‌حل‌های معمارانه:

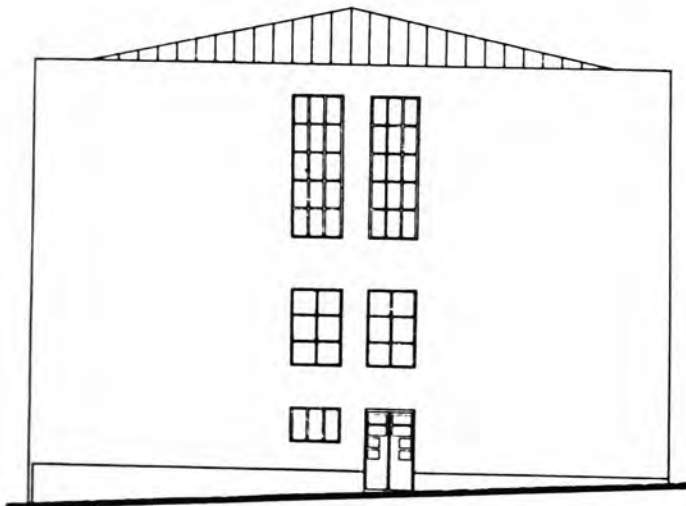
مرحوم استاد پیرنیا در جهت کاهش هزینه‌های ساختمان به سه راه‌حل معمارانه متوسل شدند.

الف - کاهش هزینه سازه:

سازه انتخابی برای سقف این مدارس طاق ضربی با تیرآهن و عناصر عمودی باربر (ستون‌ها و جرزها) از آجر فشاری بود. مسلماً سازه ساختمان از



مدرسه خیرگان



نمای شرقی

بهزینه‌ترین بخش‌های آن به شمار می‌رفت. به ویژه تیر آهن تولید داخل نبود و از خارج وارد می‌شد. بشان در جهت کاهش این هزینه‌ها دو راه حل بسیار موثر را به کار بردند:

۱- ابعاد فضاها را استاندارد کردند و با انتخاب دهنه‌هایی با ضرایب دوازده که طول شاخه‌های آهن بود، از تمام طول شاخه‌های آهن استفاده کردند، و لذا شاخه‌های آهن سرریز اضافی نداشت و در نتیجه در هزینه خرید آن که از هزینه‌های مهم محسوب می‌گردید، صرفه‌جویی می‌شد.

۲- از پوشاندن خیز طاق ضربی با گچ که باعث افزایش بار مرده سقف می‌شد صرف نظر گردید. در نتیجه با کاهش بار سقف شماره تیر آهن پایین آمد و نیز مدت زمان گچ‌کاری و پرکردن خیز سقف و همینطور هزینه آن صرفه‌جویی شد. در حالی که این کار بافت تازه و زیبایی به سقف می‌داد که نه حاصل یک کار اضافی و آرایش که ناشی از یک نگرش منطقی و پیرایش آن بود.

ب - استفاده از یک فضا برای چند عملکرد یا یک فضا برای دو مدرسه :

از نمونه‌های بسیار جالب این نحوه تفکر، مجتمع مدارس عاصمی است، که با قرار دادن یک سالن اجتماعات بر طبقه فوقانی دو مدرسه مشابه همجوار، امکان دسترسی مستقیم به آن و استفاده هر دو مدرسه را از آن فراهم آورده است. به این ترتیب سالنی که وجودش برای اهداف فرهنگی بسیار مفید بوده، ولی چون ندرتاً مورد استفاده قرار می‌گرفته است با هدف ارزان شدن مدارس مغایرت داشته با کاربردی که برای دو مدرسه پیدا می‌کند، جایگاه خود را می‌یابد و به عنوان یک فکر معمارانه در جهت صرفه‌جویی با حفظ کیفیت جلوه‌گر می‌شود.



ج - پرهیز از هرگونه تزئین :

در طراحی این مدارس از هرگونه تزئینی پرهیز شده بود. زیرا تزئین هم به لحاظ مواد و مصالح مصرفی و هم زمان اجرای آن افزایش هزینه‌ای را در برداشت. در ادامه مقاله توضیح داده می‌شود که چگونه این مدارس زیبایی خود را از سادگی و منطق حاکم در طراحی و استفاده مطلوب از مواد و مصالح کسب کردند.

مدیریت اجرایی :

شنیدن داستان نحوه انجام کار از زبان استاد، به خوبی نقش مدیریت داهیانه ایشان را در پیشبرد کارهای اجرایی عیان می‌ساخت. قطعاً نقش مدیریت در کاری که در عین حفظ کیفیت از کمیت بالایی نیز برخوردار بوده، بسیار حساس و موثر است.

موضوع ارزان تمام شدن هزینه ساختمان مدارس با سرعت توأم شده بود و در صورتی که کار درست و اصولی به سرانجام می‌رسید، سرعت اجرا

می‌توانست از عوامل کاهش دهنده هزینه‌ها باشد. می‌بایست مدیریت قوی و خاصی اعمال می‌شد تا کار ساخت این مدارس با کیفیتی مطلوب و سرعت بالا به انجام برسد. اعمال یک چنین مدیریتی موجب تحویل میانگین سه مدرسه در هر دو ماه گردید.

مدیریت در اجرای مدارس را می‌توان به سه شاخه زیر تقسیم نمود :

- مدیریت نیروی انسانی ؛

- مدیریت مالی ؛

- مدیریت فنی ؛

۱- مدیریت نیروی انسانی :

در ارتباط با نیروی انسانی، نقش مدیر در انتخاب نیروهای اصلی همکار، ایجاد انگیزه در افراد، بالا بردن تعهد و وجدان کار و در نهایت بهره‌وری هرچه بیشتر از انرژی و وقت نیروی انسانی نقش اصلی و تعیین کننده دارد. استاد پیرنیا با دیدی عمیق و

شناختی درست و واقع‌بینانه از جامعه خویش، با تکیه بر ارزش‌های اجتماعی، اخلاقی و مذهبی افروخته‌ترین بهره‌وری را در این زمینه تحصیل نمودند.

ایشان در انتخاب معماران این مدارس، تعدادی از متعهدترین معمارانی را که می‌شناختند انتخاب کردند. تعهد این افراد و اعتماد متقابل که وجود داشت، برقراری ارتباط سریع و راحت را ممکن می‌ساخت. در رفتار با معماران و استادکاران با تکیه بر اعتقادات مذهبی آنان نوعی احساس نظارت معنوی در آنها بوجود آورده بودند که سبب می‌شد هرچه بیشتر در انجام کار دقت و وسواس نشان دهند.

برای مثال به آنان گوشزد می‌کردند که ناظر این ساختمان‌ها حضرت ابوالفضل عباس هستند و به این طریق وجود ناظر همیشه حاضر را در اذهان آنها جا می‌انداختند. این امر مستقیماً بر سلامت و صحت کارها اثر می‌گذاشت. در عین حال نوع برخوردشان با استادکاران معمار چنان بود که آنها در جهت حفظ روحیه درستی، امانتداری و تعهد در محیط کار، ا



مدیریت در طراحی :

طراح اصلی این مدارس مرحوم استاد پیرنیا بوده‌اند. بیشتر این مدارس را ایشان طراحی می‌کرده‌اند. از آنجایی که با دیدگاه خاص ایشان در روند طراحی، الگوی مشخصی برای این مدارس بوجود آمد، مدارس هم که تحت نظارت ایشان به وسیله دیگران طراحی شد، اکثراً دارای ویژگی‌های کاملاً روشنی از این نوع مدارس بوده‌اند، یعنی در زمینه‌های مختلف طراحی از الگوی مدارس پیرنیا پیروی می‌کرده‌اند. ویژگی‌های معماری مدارس بعداً مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

مدیریت در تهیه مصالح :

از مسایل مهم در ساخت مدارس، همچون هر معماری دیگر، انتخاب و تهیه مواد و مصالح مناسب بود. نکته قابل توجه در انتخاب مصالح مورد استفاده مدارس این بود که شعار ارزان قیمت دست‌آویزی برای انتخاب مصالح از نوع نامرغوب نشد. بلکه برعکس، همچون زمینه‌های دیگر، تدابیری اتخاذ گردید تا در حدامکان مواد و مصالح ساختمانی مرغوب، ارزان تهیه شود.

که علاوه بر وجود انگیزه‌ای معنوی، به دو دلیل عمده کار برای کسانی که با مدارس صدی پنچ کار می‌کردند، جاذبه اقتصادی داشت. یکی وجود نوعی نظام استاندارد و مشابه‌سازی در ساخت اجزای مختلف بود که نوعی تولید انبوه را شکل می‌داد و در طول مدت سودآور بود. دیگری و مهمتر از آن خوش حساسی و سرعت در پرداخت صورت وضعیت پیمانکاران بود. دقت و سعی زیادی در پرداخت به موقع حق‌الزحمه‌ها و هزینه‌ها به عمل می‌آمد. به محض این که صورت وضعیت کاری تأیید می‌شد، فوراً به حسابداری اعلام می‌گردید تا وجه مورد نظر را پرداخت نماید. یعنی در واقع پول و حقوق افراد نزد مدیریت طرح باقی نمی‌ماند. مجموع عوامل مذکور، دست اندرکاران را با وجود سختگیری‌های زیاد، به ادامه کار راغب می‌کرد. علاوه بر آن به نظر می‌رسد به دلیل توجه و دقت در کیفیت مصالح تولیدی برای مدارس پنج درصد، تولید مواد و مصالح ساختمانی برای مدارس به معنای استاندارد کیفیت بوده و برای تولید کننده ایجاد حیثیت می‌کرد، و ارزش اقتصادی به همراه داشت.

۳- مدیریت فنی :

در رابطه با مدیریت فنی بناها سه محور زیر قابل ذکر است که هر یک نقش مهمی را در استفاده بهینه از کلیه امکانات بالقوه و در نتیجه افزایش بهره‌وری به عهده داشته‌اند :

- ۱- مدیریت در زمینه طراحی مدارس، به گونه‌ای که بتواند در راستای اهداف طرح پاسخگوی مسایل آن باشد ؛
- ۲- مدیریت در زمینه چگونگی تهیه مواد و مصالح ساختمانی، از گزینش طرف‌های قرارداد تا کیفیت کالا، سرعت تحویل، نحوه حمل و نقل و غیره ؛
- ۳- مدیریت در اجرای دقیق و صحیح ساختمان‌ها.

هیچ خطا و لغزشی، هر چند کوچک، چشم‌پوشی نمی‌کردند. برای مثال ایشان نقل می‌کردند که در یکی از کارگاه‌ها، عصر یکروز پس از اتمام کار، استادکار متوجه می‌شود که کارگری می‌خواهد یک فرغون کاه را همراه خود ببرد. علت را جویا می‌شود. کارگر پاسخ می‌دهد که : سقف خانه‌ام چکه می‌کند، می‌خواهم آن را کاه گل کنم. استادکار فوراً حساب کارگر را تسویه کرده و او را اخراج می‌کند. هرچه کارگرهای دیگر پا در میانی می‌کنند که کاه که چیز مهمی نیست و باد خیلی بیش از این را با خود می‌برد، او را اخراج نکنید، نمی‌پذیرد و می‌گوید : امروز کاه است، فردا آجر و پس‌فردا آهن. این حکایت بیانگر وجود محیطی سالم و به دور از لغزش و کج‌روی بوده که خود عامل موثری در جهت کنترل ریخت و پاش و پایین آوردن هزینه کارهای اجرایی ساختمان است.

۲- مدیریت مالی :

اعتبار، ساخت مدارس از پنج درصد عوارض شهرداری تهران تأمین می‌شد و وجود هیئت امنای خوشنام و صدیقی که هم خود را صرف تهیه زمین به شکل رایگان یا با بهای ارزان می‌کردند، تأمین زمین را هم تسهیل می‌نمود. موضوع مهم، نحوه هزینه کردن اعتبار بود که بتواند اهداف طرح را تحقق بخشد. یعنی ضمن جلوگیری از صرف هزینه‌هایی در قالب‌های نامشروع (مثل رشوه برای کارخانه‌ها، شرکت‌ها و افرادی که با طرح همکاری می‌کردند و ...) انگیزه و محرک کافی را برای کار طولانی مدت پدید آورد. به راستی با توجه به این که در ساخت این مدارس، کار بدون دقت و کیفیت در هیچ مرحله‌ای قابل قبول نبود، می‌بایست گروه‌های مختلف انگیزه خوبی برای کار با گروه مدارس صدی پنج داشته باشند. به ویژه در دوره‌ای که کارهای ساختمانی در تهران از رونق خوبی برخوردار بوده است. تحلیل مرحوم استاد پیرنیا در این باره چنین بود

در انتخاب نوع جنس سطوح مختلف سعی شد باتوجه به نحوه استفاده از سطوح و میزان سایش و استهلاک، در سطوحی که از آسیب‌پذیری بیشتری برخوردار بودند مصالح مقاوم‌تری بکار رود. در مجموع مواد و مصالح مصرفی در ساختمان مدارس عبارت بود از:

نما از آجر بهمنی که از نظر ابعاد با آجر فشاری یکسان بود و قفل و بست آن‌ها مشکلی ایجاد نمی‌کرد. قرنیزها و پله‌های سطوح خارجی از سنگ خسارای تیشه‌ای، کف راهروها و کلاس‌ها و نیز پله‌های داخلی از موزائیک مرغوب که فرمول دانه‌بندی آن را خود استاد پیرنیا تهیه کرده بود. پنجره‌ها و درهای سطوح خارجی از آهن و در اتاق‌ها از چوب.

مواد و مصالح ساختمانی چگونه تهیه می‌شد؟

در میان مصالح مذکور، در آن زمان آهن در داخل کشور تولید نمی‌شد و از طریق واردات به کشور می‌رسید. ورود آهن از طریق کشتی صورت می‌پذیرفت و در بنادر جنوب تخلیه و از آنجا به تهران منتقل می‌شد. نکته قابل توجه این است که یکی از راه‌های صرفه‌جویی در مسأله ساخت مدارس، همان‌گونه که قبلاً اشاره شد، انتخاب دهنه‌ها با ضرایب دوازده بود تا آهن سرریز نداشته باشد. چون در طراحی، اندازه همه دهنه‌ها یکسان در نظر گرفته شده بود لذا این امکان بوجود می‌آمد که شاخه‌های آهن وارد به کشور در مبادی ورود (بندرعباس یا خرمشهر) بریده شوند. این امر موجب سرعت و سهولت در امر حمل و نقل آهن‌آلات می‌گردید.

در مورد مواد و مصالح تولید داخل کشور، با انتخاب چند کارخانه و کارگاه آجرپزی، موزائیک‌سازی، و پروفیل در و پنجره و بستن قرارداد با آن‌ها، گاه تمام تولیدات، منحصرأ به اختیار مدارس

صدی پنج در می‌آمد. باتوجه به استاندارد بودن محصول و امکان تولید انبوه آن، قیمت تمام شده کالا به نحو محسوس ارزانتر می‌شد.

به جز تیرآهن، تنها کالای دیگری که از خارج (آلمان) وارد می‌شد، شمع‌های ارزان قیمتی بود که در ساخت تخته سیاه به کار می‌رفت و در قیاس با تهیه نوع چوبی آن در ایران اقتصادی‌تر بود.

مدیریت در اجرا:

اجرای این مدارس نیز از ویژگی‌های خاصی برخوردار بود. برای مثال دقت زیاد در اجرای جزئیات قسمت‌های مختلف، موجب افزایش عمر ساختمان‌ها شده و در نتیجه هزینه نگهداری را تقلیل می‌داد. اشاره به پاره‌ای از این ویژگی‌ها در این فرصت خالی از فایده نیست.

به جز زمین‌هایی که شیب آن‌ها زیاد بوده معمولاً برای مدارس زیرزمین ساخته نمی‌شد. در مناطقی که آب لوله‌کشی موجود نبود، آب انبار در زیرزمین تعبیه می‌شد که طاق آن‌ها همواره ضربی دور دار بدون تیرآهن بوده است. پی‌ها عموماً شفته آهکی بوده و حداقل مقاومت زمین را شانزده کیلوگرم بر سانتیمتر مربع فرض می‌کردند. همه پی‌ها به استثنا پی‌های همجوار همسایه‌ها، دارای پاشنه از دو طرف بوده است. در پی‌سازی در زمین‌هایی که خاک سست یا جابجا شده داشت، یا خاکی که توسط سیل آورده شده بود، از سیستم چاه‌های منفرد استفاده می‌شد. به این طریق که در فواصل معینی چاه‌هایی کنده می‌شد. و داخل آن‌ها با شفته و سنگ پر شده و حد فاصل آن‌ها، در زیر خاک با قوس رومی با دور کم مرتبط می‌گشت. آن‌گاه، پی بنا روی آن شکل می‌گرفت. ضمناً خیز دور رومی از فاصله چاه‌ها تبعیت می‌کرد. جرزها از زیر خاک با آجر فشاری و ملات ماسه و سیمان شروع شده و تا ارتفاع نیم‌متر چیده می‌شد، سپس برای جلوگیری از رطوبت بالا رونده، یک

بالشک ماسه سیمان روی آن انداخته شده و بعد با قیرگونی (به صورت کفن پوش) عایق بندی صورت می گرفت.

در نمای حیاط قرنیز از سنگ پاک تراش با ارتفاع شصت سانتیمتر روی قیرگونی را می پوشاند. صحن مدرسه معمولاً شن بادامی ریخته می شد، و بعد از چند سال اسفالت می گردید. جهت فضای سبز، در حاشیه حیاط و نزدیک دیوارها، درختان بلند کاشته می شد. لوله های آب در عمق پنجاه سانتیمتری زمین تعبیه شده و اطراف آن با شن پر می گردید.

سعی بر این بود تأسیسات در خارج بنای اصلی قرار گیرد. آبخوری، دستشویی و توالت ها در جوار سرایداری در گوشه حیاط ساخته می شد، و منبع سوخت غالباً به صورت آشکار در کنار این مجموعه واقع می گردید. فقط آبدارخانه و یک توالت و دست شویی در ساختمان اصلی پیش بینی می شد. باتوجه به جدید بودن تجهیزاتی مثل سیفون و هواکش مکانیکی در آن زمان، و پایین بودن فرهنگ عمومی در استفاده از این تجهیزات و مشکلات ناشی از آن، از گذاشتن سیفون در توالت ها خودداری می شد.

نازک کاری با کاه گل و اندود گچ انجام می گرفت. ولی از کف تا ارتفاع $1/20$ با ملات ریگ و آهک گچ اندود می شد. پله ها در جا ریخته می شد و لبه آن با نشی فلزی تقویت می گردید. سقف طبقه آخر عموماً چوبی بود، که روی آن توفال کوبی شده و سپس خرپای چوبی و شیروانی روی آن قرار می گرفت. معمولاً به زیر شیروانی از طریق نردبان سیار و به واسطه یکی از فضاهای بدون استفاده امکان دسترسی فراهم بود.

درها از تخته پر (نه فیبر و سه لایی) و چهارچوب آن اوایل از چوب و بعدها از ورقه آهن تشکیل می گردید. پنجره ها هم از جنس فلز و پروفیل بودند. دیوارهای حریم عموماً تا ارتفاع دو متری نیم به ضخامت یک آجر با قاب بندی شکل می گرفت.

آن چه مهم است تلاش در بکارگیری جزئیات بالا در نهایت دقت و صحت بود که نتیجه آن عمر خوب این مدارس است.

نکاتی پیرامون معماری مدارس:

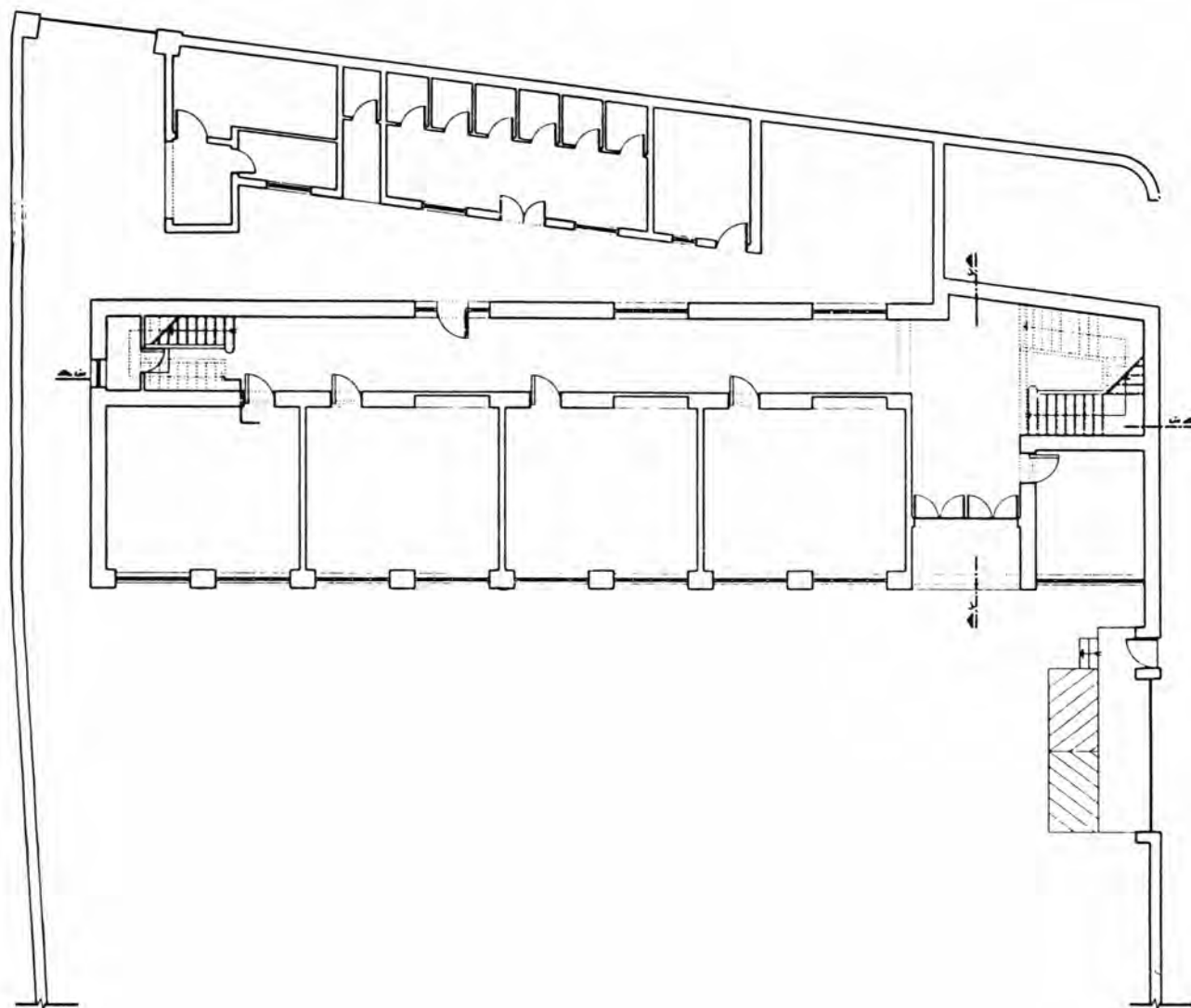
مرحوم استاد پیرنیا که بعدها بزرگترین منادی توجه به معماری سنتی اسلامی و ایرانی شد، فرزند یزد و اصلاً نائینی و در بافت غنی معماری کویری ایران رشد کرده بود. از آن رو از جوانی شیفته معماری سنتی بود و عاشقانه در پی شناخت معماری این مرز و بوم برآمد.

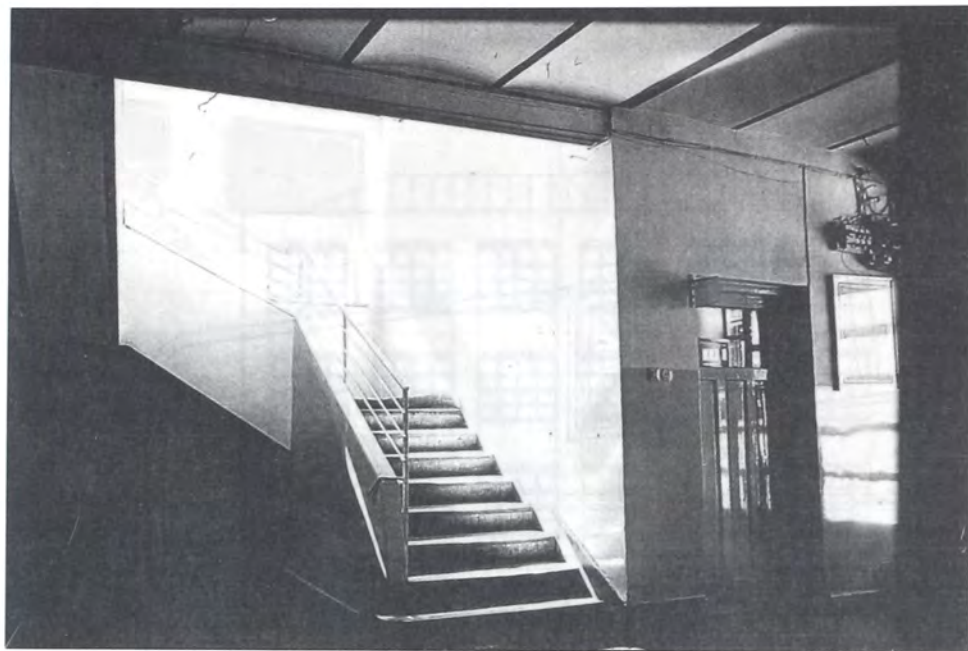
اگرچه در زمان طراحی این مدارس شناخت ایشان از معماری سنتی هنوز به وسعت و عمقی که بعدها حاصل شد نرسیده بود، اما در طراحی مدارس، درک و فهمی که برگرفته از روح معماری سنتی بود با دانشی که از تحصیلات آکادمیک فراهم آورده بود به هم آمیخت، و نتیجه آن معماری شد که در عین توجه دقیق به معیارهای نوین فضاها، آموزشی و استفاده از مصالح و امکانات زمان خود، به خاطر پای بندی به منطق و اصول معماری سنتی، با وجود سادگی، متناسب و با روح بود.

اصولی که ایشان بعدها به عنوان اصول حاکم بر معماری سنتی مطرح کردند، به نظر می رسد که در طراحی این مدارس به کار گرفته شد.

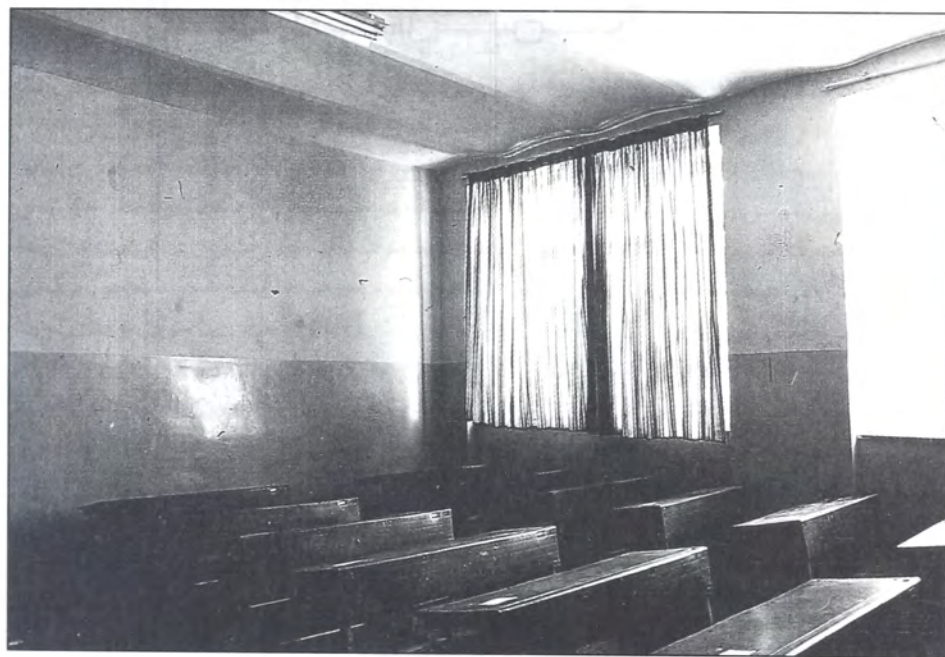
اصل مردم واری و پرهیز از بیهودگی در طراحی این مدارس دقیقاً مورد توجه قرار گرفت. هر فضایی تعریف خاص خود را داشت و با مشخص بودن جایگاه و علت وجودیش در طرح، به نظر زاید و بی مصرف نمی آمد. ابعاد و تناسب هر فضا و عناصر و اجزاء درون آن اعم از در و پنجره، تخته سیاه، سکو و غیره باتوجه به کاربرد آن ها، و معیارهای فضاها، آموزشی جدید تعیین شده بود.

این چنین بود که ابعاد کلاس ها باتوجه به نحوه قرارگیری نیمکت ها، سکوی استقرار میز معلم، فاصله





مدرسه دکتر حسینی



از تخته سیاه و ... $۶/۳۰ \times ۵/۴۰$ متر تعیین شد. یا عرض راهروهایی که در وسط قرار داشت $۳/۵۰$ متر و راهروهای کناری $۲/۵۰$ متر انتخاب شد. ارتفاع پله‌ها $۱۷/۵$ و عرض آن ۳۰ سانتیمتر و ... که همه دلالت بر مردم‌واری و داشتن یک مقیاس انسانی دارند.

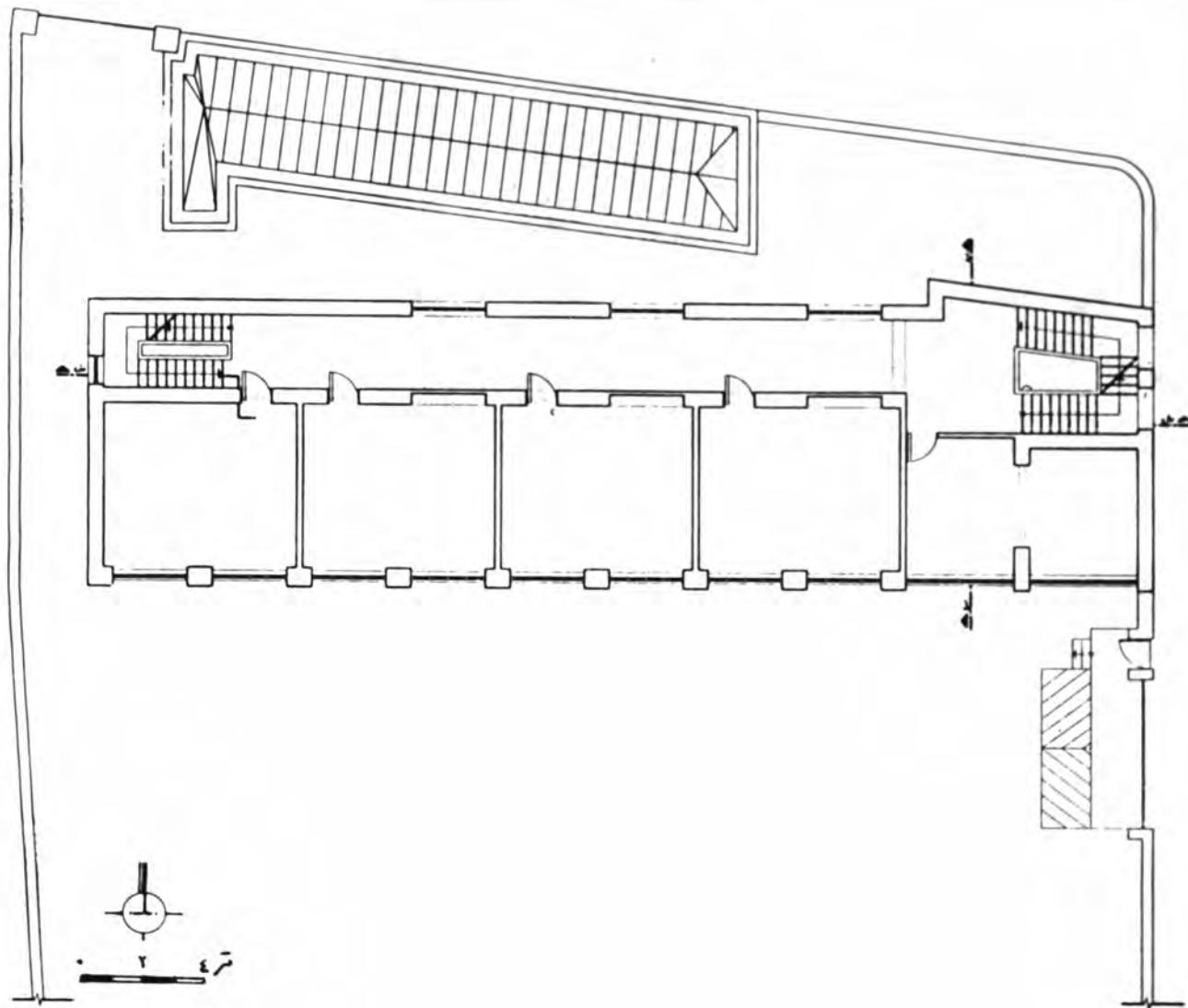
استفاده از پیمون را می‌توان به مدول درآوردن و استاندارد کردن ابعاد اتاق‌ها، راهروها، درها و پنجره‌ها مشاهده کرد که این امر به نوبه خود نقش بسزایی در سرعت اجراء و کاهش هزینه‌ها به عهده داشت.

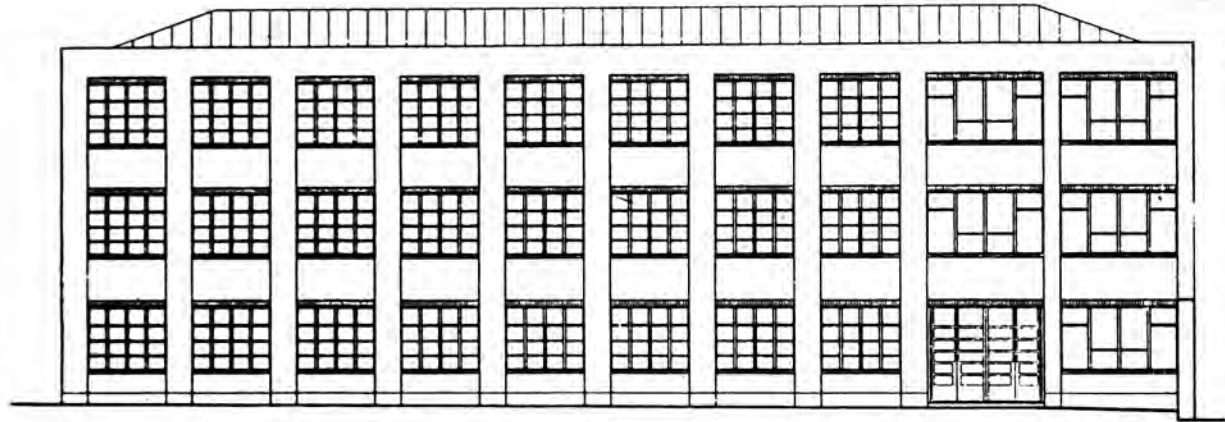
اصل گنج و بنار نیز به نوعی در توجه ایشان به موضوع سازه، و یافتن راه‌حلی برای کاهش بار مرده تجلی یافت. اصل خودبسندگی نیز در استفاده از مواد و مصالح و امکانات داخلی کاملاً مشهود است. تیرآهن و پروفیل‌های آهن عمده‌ترین مصالح غیر بوم‌آورد بود که با توجه به این که آهن ماده کششی بسیار مقاوم‌تری از چوب بود و در دنیا تولید می‌شد و ایران هنوز توان تولید آن را نداشت، استفاده از آن موجه به نظر می‌رسید.

شاید اصل درونگرایی تنها اصلی بود که چندان به آن توجه نشد. البته شاید این امر با توجه به وجود بافت شهری تهران در سال‌های سی و چهل و پاره‌ای عوامل دیگر توجیه‌پذیر باشد. اگرچه در مجتمع عاصمی به گونه‌ای از حیاط مرکزی استفاده شده است.

ساختمان این مدارس معمولاً از دو یا سه بخش جدا از هم تشکیل می‌شد. ساختمان اصلی که شامل فضای اصلی مدرسه بود، یک یا دو ساختمان کوچک دیگر که مستراح و دستشویی و آب‌خوری و گاهی اتاق سرایدار را در برمی‌گرفت.

در واحدهایی که زمین آن‌ها شمالی بود دانش‌آموزان بعد از وارد شدن به حیاط وارد ساختمان می‌شدند که برای مدرسه ارتباط مناسبی بود. اما در واحدهایی که زمین آن‌ها جنوبی بود، به نسبت





نمای جنوبی

نداشت. فقط ضخیم شدن جرز ستون‌ها که از آجر فشاری بودند، بافت و ریتم خاصی را در نما ایجاد می‌کرد که در ضلع جنوبی خاصیت آفتاب شکنی هم داشت.

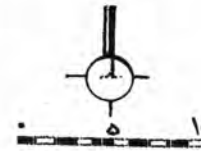
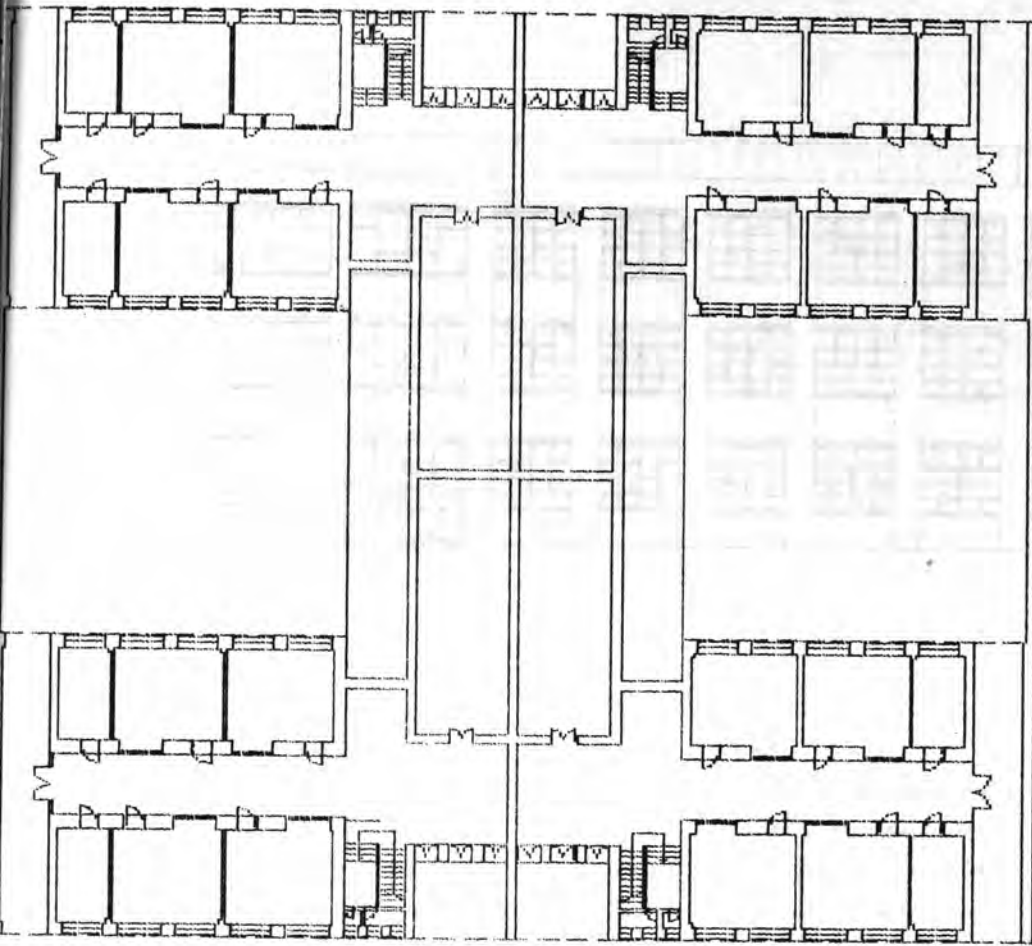
مدارس مرحوم پیرنیا به عنوان یک معماری سالم و متعهدانه در ظرف زمان و مکان خود مطرح است و ایشان به عنوان یک معمار متعهد در عین وفاداری به اهداف طرح، به جنبه‌های معماری مقطعی و گذرا نپرداخته بلکه با دیدی منطقی و اصولی به جای تقلید از عناصر معماری سنتی به اصول این معماری توجه کرده است. چنین است که در این معماری، پنجره‌ها با تحمل هزینه اضافی قوسی شکل نشده تا شبیه پنجره‌های معماری سنتی شود. یا از کاشی برای نماسازی استفاده نشده که با افزایش هزینه و طول مدت اجرا همراه شود. تنها کاشی به کار رفته در نمای مدارس، کتیبه‌ای است که بر روی آن فقط شماره مدرسه و تاریخ ساخت آن نوشته شده است.

راهروها طبقات را به همکف متصل می‌کردند. در گونه راهروهای با کلاس یک طرفه، عرض راهروها دو مترونییم بود. کلاس‌ها در ضلع جنوبی و رو به حیاط واقع می‌شد و راهروها از سمت شمال نور می‌گرفتند. اما در راهروهای دو طرف کلاس که عرض آن‌ها به سه مترونییم می‌رسید نور از طریق پنجره‌هایی تأمین می‌شد که بین راهرو و کلاس و از ارتفاع یک مترو نیم به بالا تعبیه شده بودند و به این ترتیب فضای راهروها کاملاً از نور کافی برخوردار می‌گردیدند. نحوه استقرار تخته سیاه و نیمکت‌ها در کلاس‌ها به گونه‌ای بود که امکان تابش نور از سمت چپ را فراهم می‌کرد. در ورودی همه کلاس‌ها به طرف بیرون باز می‌شد و بخاری در گوشه پایین کلاس جای می‌گرفت و جالباسی و نیز گنجه وسایل در گودی زیر پنجره راهرو قرار داشت.

نمای اکثر مدارس از آجر بهمنی بود و معمولاً به جز فضای تو رفته ورودی، بازی حجمی خاصی

کوچکی یا بزرگی زمین و مدرسه، فرعی یا اصلی بودن معبر، ساختمان به بر کوچه یا خیابان مماس می‌شد و یا از آن فاصله می‌گرفت. در حالت دوم معمولاً راه سرپوشیده‌ای حیاط اصلی مدرسه را به حیاط جلوی ورودی متصل می‌کرد و دانش‌آموزان می‌توانستند بدون داخل شدن به ساختمان به حیاط اصلی بروند.

ورودی به ساختمان چه در جبهه حیاط و چه در جبهه خیابان معمولاً دو تا سه متر فرو رفته بود. این مدارس عمدتاً برای دبستان طراحی شده بودند و آن‌هایی هم که جهت دبیرستان طراحی شدند، به دلیل نبود تجهیزات آزمایشگاهی اصولاً فاقد فضای آزمایشگاه بود. کلاس‌ها، اتاق دفتر و معاونان، کارگاه و بعضاً کتابخانه و سالن اجتماعات عمده فضاهای این مدارس را که معمولاً دو یا سه طبقه بودند تشکیل می‌دادند. کلاس‌ها به شکل خطی در یک یا دو طرف راهروها قرار می‌گرفتند و معمولاً دو راه پله در انتهای



مجتمع مدارس عاصمی :

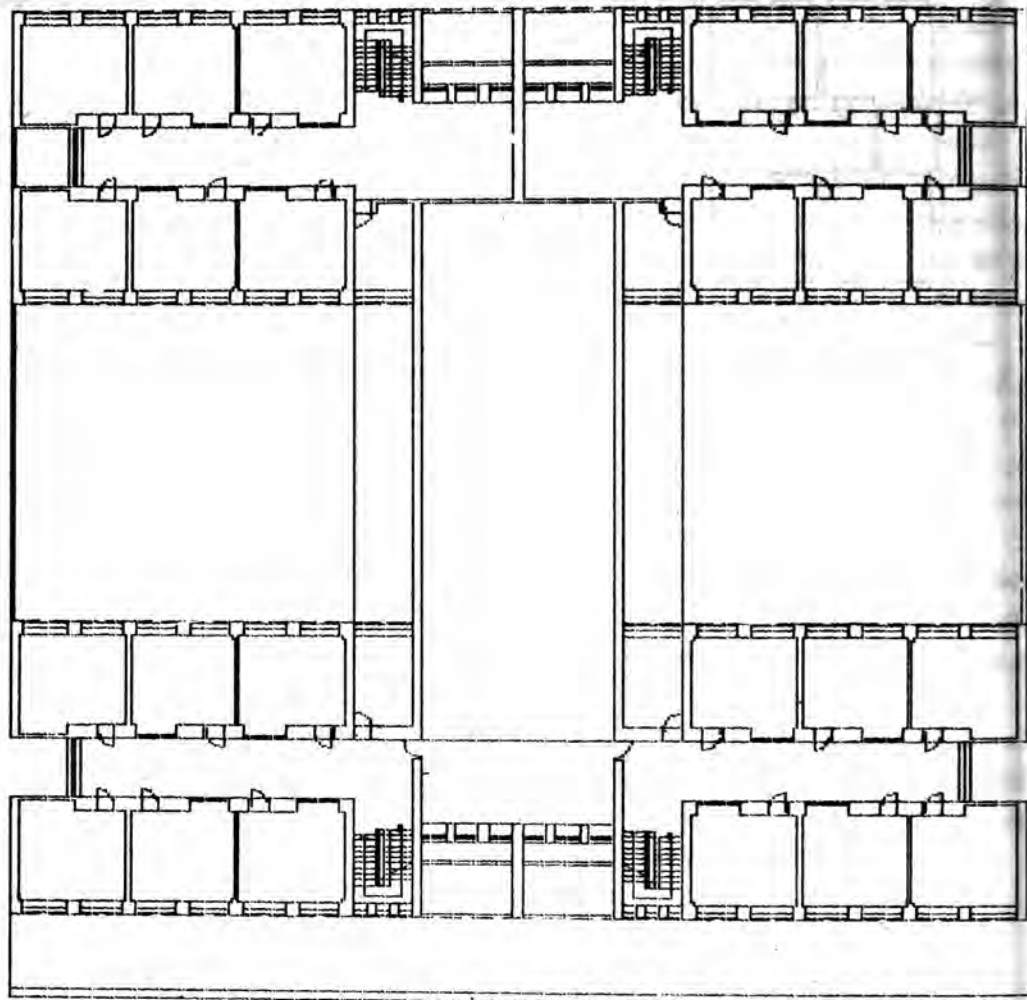
در میان مدارس صدی پنج از نمونه‌های جالب که دارای ویژگی‌های خاصی است باید از مجتمع مدارس عاصمی نام برد. این مدارس که در طرح اولیه به صورت دو مدرسه سی کلاسه کاملاً مشابه و قرینه در جوار یکدیگر و با یک سالن اجتماعات مشترک در طبقه انتهایی ساختمان‌ها ساخته شده بود، در حال حاضر به صورت سه مدرسه جدا از هم و یک سالن با ورودی کاملاً مجزا از مدرسه کار می‌کند.

مجتمع عاصمی در ضلع جنوبی خیابان آزادی

تقریباً مقابل دانشگاه صنعتی شریف واقع شده و در آن زمان در محدوده بافت نوساز خارج از شهر، و نزدیک به ورودی کرج - تهران قرار داشته است.

پلان هر یک از مدارس، چنانکه در نقشه‌ها مشخص است، به شکل نعل طراحی شده که دارای دو بال در جهت شرقی - غربی هستند و دو مدرسه در قطعه وسط دو بال که شمالی جنوبی است به هم متصل شده‌اند. هر مدرسه دارای سه حیاط بوده است که یکی در ضلع شمالی و ورودی اصلی، حیاط دیگر

در ضلع جنوبی، و حیاط اصلی به شکل یک حیاط مرکزی که سه ضلع آن را بنا احاطه کرده بود در وسط قرار داشته است. هر سه حیاط از طریق راهرو، سرپوشیده به یکدیگر راه داشته‌اند. ساختمان بخش شمالی سه طبقه و دارای هیجده کلاس و ساختمان بخش جنوبی دو طبقه و دارای دوازده کلاس بود است. کارگاه‌ها در قطعه اتصال دهنده بخش شمالی جنوبی قرار داشته‌اند و راهروی نیمه بازی که در طول کارگاه‌ها امتداد می‌یافته و دو ساختمان شمالی



مصالح استفاده شده در این مدارس تا حدودی از مدارس دیگر متفاوت بوده و از سنگ استفاده بیشتری شده است.

در همان زمان که مدارس عاصمی ساخته شدند دو هنرستان قرینه هم در ضلع جنوبی مدارس عاصمی بنا گردید که آن‌ها هم دارای دو حیاط شمالی و جنوبی بودند. به علت استقرار این مدارس در خارج از بافت اصلی شهر تهران و ارزان بودن زمین، سطح فضای باز یا حیاط‌های این مدارس به نسبت

جبران طول کشیده آن را می‌کند.

وجود چنین سالن بزرگ شیب‌داری در آن زمان برای این دو مدرسه بزرگ (سی کلاسه) مزیت مهمی محسوب می‌شد که طراح با ایجاد امکان دسترسی از هر دو مدرسه بهره‌وری از آن را به دو برابر افزایش داده بود.

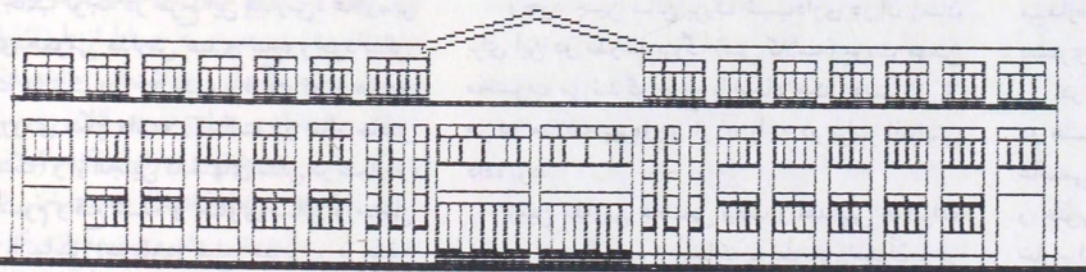
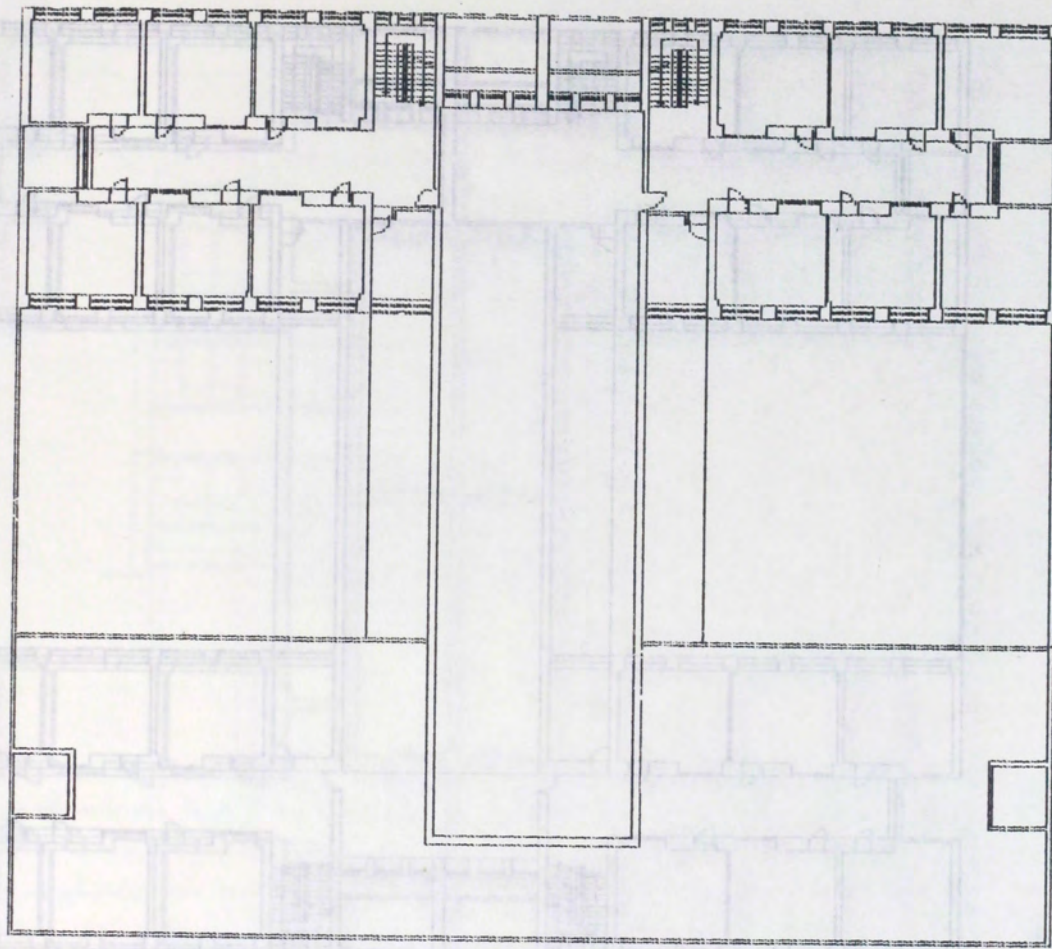
زمین مدارس عاصمی وقف و اهدایی خانواده عاصمی بوده است. از آنجا که به نظر می‌رسد آن‌ها در هزینه ساخت مدارس هم مشارکت داشته‌اند، مواد و

جنوبی را به هم متصل می‌کرده است.

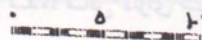
ایده جالب توجه در طرح این مدارس، علاوه بر ویژگی‌های عمومی مدارس صدی پنجم، وجود سالن اجتماعات مشترک بین دو مدرسه است که از هر دو مدرسه ورودی مجزا داشته (که البته در حال حاضر مسدود است) و از آنجایی که انتهای سالن در شمال و در طبقه سوم واقع شده و جلوی سالن و محل سخنرانی یا نمایش (سن)، در ضلع جنوبی و در طبقه دوم واقع شده، سالن دارای شیب است که به خوبی

برش افقی طبقه دوم

صفحه ۷۰



نمای جنوبی



دو مدرسه هیجده کلاسه شد. کارگاه‌ها به مهدکودک تغییر کاربری داد و با قطع ارتباط مستقیم مدارس به سالن و ایجاد ورودی مستقل برای آن فضای سالن کاربرد عمومی تری پیدا کرد. تغییرات فوق، اگر چه با توجه به شرایط، احتمالاً گریز ناپذیر بود، اما تأثیرات نامطلوبی بر فضای مدارس، به ویژه فضای باز آن‌ها گذاشت.

دو هنرستان واقع شده در جنوب مدارس عاصمی به سه مدرسه تغییر عملکرد داد که نتیجه آن تبدیل کارگاه‌ها به کلاس درس بود و روشن است کلاس درسی که برای کارگاه طراحی شده، تا چه حد خارج از استاندارد و مشکل دار است.

در سال ۱۳۵۰ در حیاط شمالی هنرستان‌ها مدرسه جدیدی** ساخته شد که اتفاقاً وجود آن در میان مدارس پیرنیا مصداق جالبی برای مقایسه است. به طور خلاصه مجتمع مدارس عاصمی در حال حاضر هیچ شباهتی به وضعیت اولیه ندارد. اما ایده اولیه آن در رابطه با طرح سالن شیب‌دار قابل استفاده از دو مدرسه و نیز وجود سه حیاط مرتبط به هم و ویژگی‌های دیگر، این مدارس را در زمان خود کاملاً شاخص و در خور توجه کرده بود ●

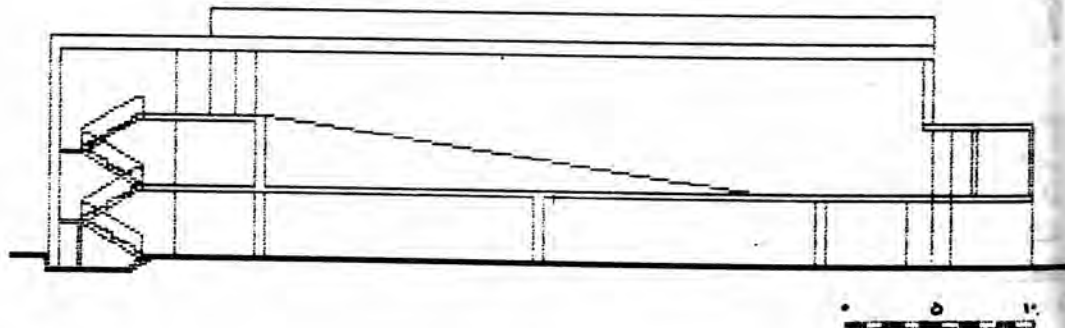
مدارس دیگر بسیار زیاد بوده که بعداً با افزایش جمعیت تغییراتی در این مجتمع حادث شده که به کلی حالت اولیه آن را از بین برده است.

از جمله این تغییرات جدا کردن بال‌های شمالی مدارس از کارگاه‌ها و بال‌های جنوبی بود که دو مدرسه هیجده کلاسه را در جوار یکدیگر بوجود آورد که تنها حیاط آن‌ها، حیاط شمالی تعیین شد که در زمستان آفتاب حیاط بسیار محدود و نامناسب است. سالن، با ایجاد یک راه دسترسی مستقل از حیاط مرکزی مدرسه غربی، از مدارس جدا شد و به صورت یک سالن عمومی درآمد که در حال حاضر اداره آموزش و پرورش منطقه نه و مدارس اطراف از آن استفاده می‌کنند.

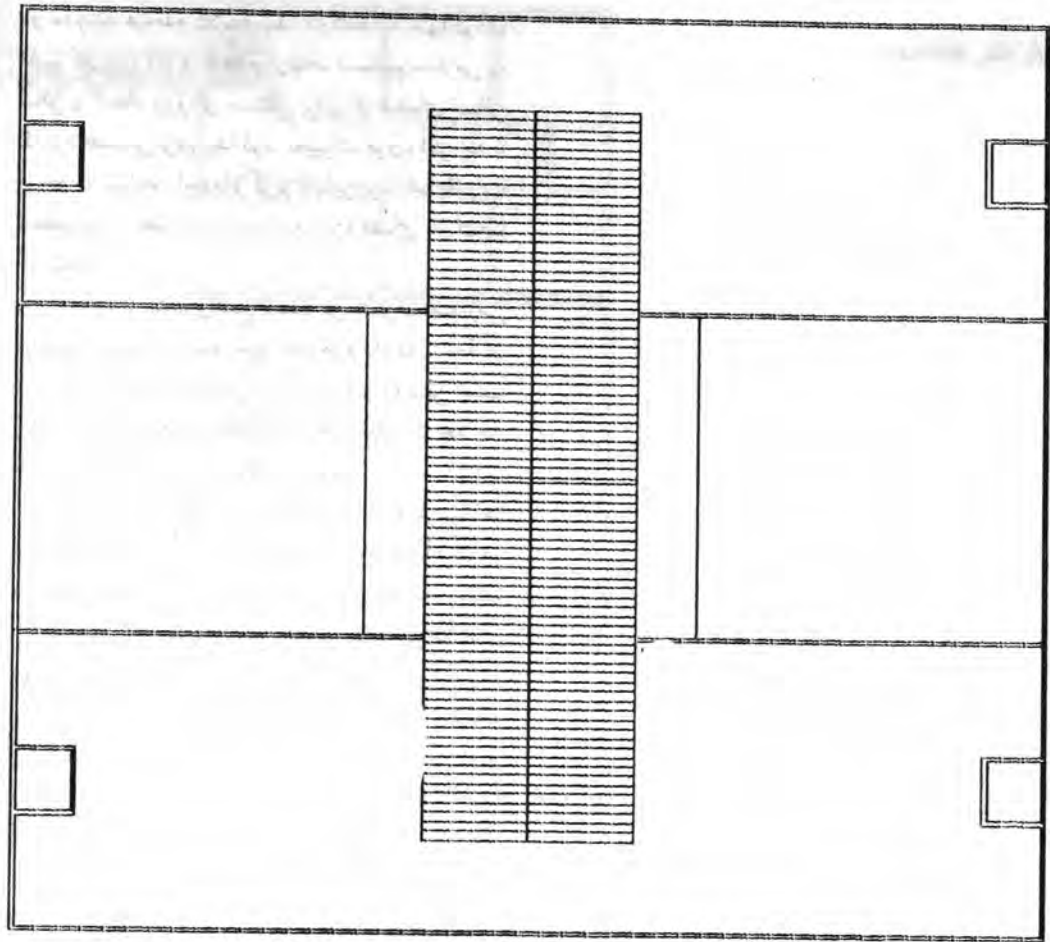
کارگاه‌های زیر سالن هم تبدیل به مهدکودک منطقه نه آموزش و پرورش شده که راه دسترسی آن مانند سالن از حیاط مرکزی مدرسه غربی تأمین شده است.

دیوار مابین بال‌های جنوبی مدرسه‌ها برداشته شد و مجموع آن‌ها به یک مدرسه بیست و چهار کلاسه بدل گردید. به عبارت دیگر دو مدرسه سی کلاسه تبدیل به یک مدرسه بیست و چهار کلاسه و

برش عمودی سالن



نمای افقی بام



پانوشت‌ها :

فهرست تعدادی *** از مدارس طراحی شده به وسیله استاد پیرنیا :

- ۱- حاج علی نقی کاشانی، حاج حسن قاسمیه و حاج تحریریان زیر نظر مرحوم رضا مزینی و نمایندگان ناظری از طرف شهرداری تهران.
- ۲- قابل ذکر است که اولاً بیشتر این مدارس برای دبستان طراحی شده بود. ثانیاً بعضی از فضاهای که بعدها جزء لاینفک مدرسه قرار گرفت، در نظام آموزش و پرورش آن زمان، که تازه رشد می‌کرد، مطرح و ضروری نبود، مانند آزمایشگاه کتابخانه، بخش سمعی و بصری و ...

- | | |
|---|--|
| مدارس ۶۳،۶۲ خیابان سینا | مدارس عاصمی خیابان آزادی مقابل دانشگاه صنعتی شریف |
| مدارس ۱۹۳، ۱۹۴ انتهای مرتضوی | مدارس ۸۵ و ۸۶ خیابان آزادی - خیابان دکتر هوشیار (جنوب مدارس عاصمی) |
| مدارس دکتر حسابی تجریش خیابان دکتر حسابی | مدارس |
| مدارس ۱۴۱ تجریش دربند جعفرآباد | ۳۱۳، ۳۰۶، ۲۵۷، ۲۲۱، ۱۶۸، ۱۶۷، ۱۱۰، ۸۴، ۸۳، ۸۲ |
| دو مدرسه کارگر جنوبی کوی ملک (قبل از میدان قزوین) | در خیابان هاشمی کوچه معروف به مدرسه |
| مدارس دهخدا خیابان ایرانشهر | مدارس ۱۵۷، ۱۵۸ انتهای جیحون |
| دو مدرسه جاده قدیم شمیران روبروی کوچه شرقی | |



مدرسه دکتر حسینی

*** این مدرسه یک نمونه از مدرسه‌های سال هزارویسصد و پنجاه است که دارای پنجره‌های قوسی شکل و نمای کاشی کاری است.

*** متأسفانه به علت نبود اطلاعات مکتوب امکان دسترسی به فهرست تمامی مدارس برای نویسندگان مقاله فراهم نشد.

یافته بود.

لازم به ذکر است که در میان خانواده مدارس صدی پنج تعدادی مدرسه وجود دارد که هزینه ساخت آن را واقف زمین تقبل کرده است و مدرسه توسط گروه مدارس صدی پنج ساخته شده، این مدارس به دلیل عدم استفاده از پنج درصد درآمد شهرداری شماره‌گذاری نشده‌اند. مانند مدارس عاصمی در خیابان آزادی و مدرسه یددا... محیط در خیابان دریند.

* مدارس اولیه ظاهراً از پنج درصد درآمد شهرداری ساخته شد، بعد از سال ۱۳۴۴ پنج درصد درآمد به سه درصد کاهش یافت و در کتیبه مدارس ۱۹۲ و ۱۹۳ که تاریخ ساخت آنها ۱۳۴۶ است سه درصد نوشته شده است. و بعدها متن کتیبه به صورت زیر درآمده است. "ساختمان شماره ۳۱۳ کمیسیون ناظر سهم آموزش و پرورش از درآمد شهرداری" که ظاهراً در سال ۱۳۵۰ (سال ساخت مدرسه ۳۱۳) نام وزارتخانه هم از فرهنگ به آموزش و پرورش تغییر

و سادات فقیر و اهالی اصنافی که قبیل البضاعه هستند آما استماع ذکر مصداق
و قهوه و طعام صومعه برودند
در آخر صفا

عکس نجف است
اساس مسجد در مشهد است



وقف نامه ها، یکی از اسناد معتبر
شاید در بر عهد متولی
شاخت تاریخ معماری
شهر سازی ایوان

بچند نفر از ثقات طلاب مدیس
ند و چنانچه کتابی از کتابخانه تفریط شده با
ند **توضیحا** هرگاه از اشیاء متعلق
بموضوع مفقود شده باشد اصلاح با
هر چیز که مفقود یا معیوب یا تفریط
کنند و مفقود کنند و تفریط
ناردمکرانکه معلوم شود از
نظ و ضبط آن نموده و لیکن

در فصل ششم معین شده و همچنین هرگاه چیزی از سبب
مناخه
سها از کافیر و ائمه افروزده مابین ایشان بلا مالک مانده باشد
و اصف فقیر باشند و ائمه افروزده مابین ایشان بلا مالک مانده باشد
فاقد

پیشگفتار:

معماری و شهرسازی گذشته ایران علیرغم کثرت بناهای موجود آن، از نظر سوابق مکتوب با کمبودهای اساسی روبروست. در حالی که وقف‌نامه‌ها به نوبه خود اطلاعات ارزشمندی را در این زمینه و حتی در باب ضوابط و ملاک‌های مرمتی در اختیار قرار می‌دهند. تاکنون وقف‌نامه‌ها از این وجه مورد بررسی واقع نشده‌اند. هدف از مقاله حاضر تأکید بر روی بازخوانی وقف‌نامه‌ها به عنوان اسناد معتبر شناخت تاریخ

معماری و شهرسازی ایران است. از این رو به عنوان یک نمونه، وقف‌نامه مسجد - مدرسه محمودیه تهران^(۱) از وجوه موصوف مورد بررسی واقع شده است. این بررسی نشان می‌دهد که چگونه با استمداد از فرهنگ غنی وقف و اسناد بازمانده از آن، شهرهای اسلامی دارای فضاهای عمومی با سازماندهی مشخص بوده‌اند و این فضاها چگونه طراحی و اجرا می‌شدند و به چه نحو فارغ از امکانات دولتی نگهداری مدیریت و مرمت می‌شده‌اند. این بررسی همچنین نشان می‌دهد که هزینه این موارد از کجا تأمین می‌گردیده است.

در تحقیق حاضر منابع زیر مورد استفاده نگارنده بوده‌اند:

- منابع موجود در مورد فرهنگ غنی وقف در نظام اقتصادی اسلام؛
- متن وقف‌نامه مسجد مدرسه محمودیه و بررسی وقف‌نامه‌های مشابه؛
- برداشت محلی (سایت، پلان، عکس از بخش‌های مختلف بنا)؛
- مصاحبه با متولی فعلی مجموعه.

۱- معرفی وقف‌نامه:

۱-۱- نام موقوفه:

مسجد مدرسه محمودیه.

۲-۱- محل:

تهران، خیابان امیرکبیر «قرب‌گذر سرچشمه محله عودلاجان از محلات دارالخلافه تهران»^(۲).

۳-۱- واقف:

حاج سید محمود جواهری^(۳).

۴-۱- زمان:

سال ۱۳۲۵ هجری قمری، «شهر رجب ماه هفتم قوی‌نیل»، در دومین سال سلطنت محمد علی‌شاه، (جولس ۱۳۲۴ - خلع ۱۳۲۷ هجری قمری) و یکسال قبل از به توپ بستن مجلس در ۲۳ جمادی‌الاولی ۱۳۲۶ ق.

۵-۱- موقوف علیهم:

کلیه طاعات و عبادات نمازگزاران و مجالس روضه و دیگر خیرات و مبرات و بر طلبه علوم دینی و بر اطفال بی‌یاعث و بیانی و فقرا و ایتم^(۴).

۶-۱- اهداف واقف:

فلسفه عمل خیر، رسیدن به قرب الهی و برجای گذاشتن نام نیک^(۵).

۲- تحلیل وقف‌نامه از وجه برنامه‌ریزی شهری:

۱-۲- انتخاب موقعیت استقرار بنا:

منطق استقرار بنا بر پایه دو هدف رسیدن به امنیت و دسترسی به آب بوده است.

۲-۲- نحوه دسترسی به شبکه دسترسی:

ضلع شمالی بنا مشرف به خیابان امیرکبیر است، «حد شمالی به خیابان دولتی که عبور تراموا می‌شود»^(۶).

۳-۲- نحوه دسترسی به آب و تأمین امنیت:

برای تأمین امنیت، موقوفه در درون حصار قدیم شهر تهران بنا شده و برای دسترسی به آب آن را در کنار

موقفها بخانه
واقع است و در
نیت و مطمح
شاید انهد
بیر و خیرین
ذکر در باب
و در محل
نمان در مسجد
موقوفه نغز
بست میشود
شیر آب انبار
ای زمان تقری
داه شیر آب
ناپشان از
مدینا و
جای و رهای



قنات مرحوم حاج علیرضا (V) بنا نموده‌اند.

ورودی شبستان

۳- تحلیل متن وقفنامه از وجه معماری:

یکی از نکات قابل توجه در متن وقفنامه ذکر نحوه معماری، سازماندهی فضاها، عملکردها و مبلمان داخلی است.

۳-۱- سازماندهی فضایی:

اصولاً ساخت و نگهداری مساجد دارای احکام خاص خود است. مثلاً هنگام ساخت مسجد صیغه می‌خوانند، فضای مسجد دارای احکام طهارت مخصوص خود است که باید رعایت شود. از طرف دیگر چون بنا برخاست واقف فضای آموزشی نباشد



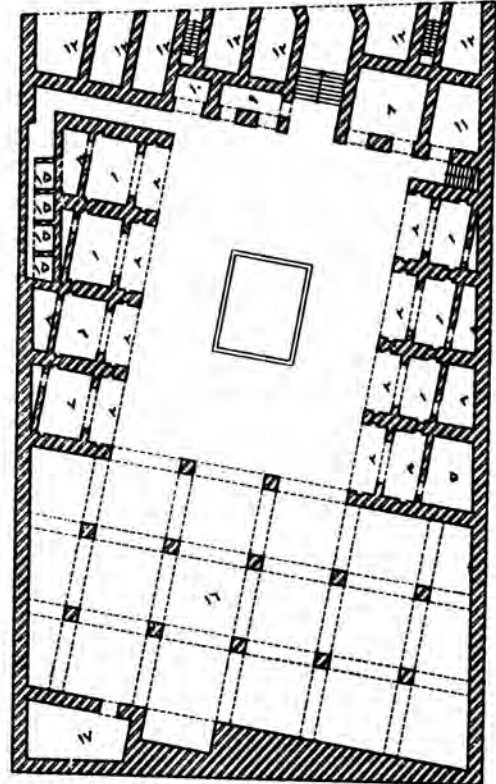
نقشه موقعیت

لوی بظلاب
دو نفر دید
باشد محض
بباید عمل
بنا و پیر
الاف النجیة
هم رسد معبر
اه شری آبان
نان است و
زکفای فضی
حضرت سید
الله و جلال
ای خنجرها
و از بن قیله
نزه و تقرب
سپیل نشود

عملکرد اصلی

عملکرد فعلی

۱- حجره	- حجره
۲- ایوان جلوی حجره	- ایوان جلوی حجره
۳- صندوق خانه	- صندوق خانه
۴- کتابخانه	- دفتر متولی
۵- انبار کتابخانه	- انبار
۶- حجره	- دفتر پیچ
۷- حجره	- کتابخانه
۸- مدرس	- انبار
۹- وضو خانه	- وضو خانه
۱۰- پاشیر آب انبار	- انبار
۱۱- مطبخ	- انبار
۱۲- مغازه	- مغازه
۱۳- راه پشت بام	- راه پشت بام
۱۴- راه حیاط با کوچه	- راهروی دستشویی ها
۱۵- دستشویی	- دستشویی
۱۶- شبستان	- شبستان
۱۷- انبار	- انبار



پلان مسجد مدرسه محمودیه
 برداشت: رضا امام

هست، حتماً باید حدود دو فضا به علت عوامل فوق الذکر از هم جدا شود. بنابر دلایل فوق، موقوفه در دو بخش فضای امور دینی و فضای آموزشی سازماندهی شده است.

۲-۳- تفکیک عرصه های فعالیت :

واقف عرصه های فعالیت را در دو بخش دینی و آموزشی تفکیک کرده است.

۳-۲-۱- بخش دینی :

حد مسجد از آنجایی است که سنگ نصب شده به طرف جنوب به علاوه پشت بام مسجد که مخصوصاً برای نمازگزاران مسطح ساخته شده است. (قابل ذکر است که در حال حاضر پشت بام مسجد به علت کار گذاشتن ۱۶ نورگیر شیشه ای قابل نمازگزاردن نیست).

۳-۲-۲- بخش آموزشی :

از ورودی موقوفه در ضلع شمالی تا جایی که سنگ نصب شده هر آنچه که هست وقف آموزش می باشد که مطابق وقف نامه مشتمل است بر: هشت حجره در سمت مشرق و مغرب و اطاق بزرگ سمت شمال و فضای صحن و دهلیز، نهر جاری، حوض، آب انبار، ایوان های جلوی حجره ها و دالان ها و مطبخ و راه پشت بام که در زاویه شرقی مدرسه است، دالانی که درب آب انبار و راه شیر آب انبار در آن است و به دستشویی می رود و چاه فاضلاب که در زاویه غربی

جامع اعتبار
 تمام حجرات
 الفتن نمازگزاران
 مسجد
 از دست راقف
 سنگ که باید دید
 حجره دیگران
 صحن سنگین
 در پس طرابی
 مدرسه جمع
 درویشا و ک
 نشد و در ال
 از در آنست
 بر آب انبار کبری
 است و باید
 شمس و طیب
 و فانون
 راطن

بی چهار سال
از هر یک
کتاب چهار باب
کتاب یک کلمه
نظام از هر باب
دری خدایان
سهم از بی چهار
از یک باب انبار
از فای نهاده
لان کوچکی که از
لان یکدانک تا
از بی و چهار سال
از معبر از باب
واقعه در الان

است و اطاق‌های طبقه دوم و دو انبار که یکی در مسجد و دیگر جنب راه شیر آب انبار (۸) است و درب آن در کنار دستشویی است. هیچ یک از فضاهای فوق‌الذکر نباید به مسجد اضافه شود ولی اگر صفوف نماز جماعت به واسطه کثرت نمازگزاران از مسجد بیرون آمد اشکالی ندارد و اگر در ماه مبارک رمضان به علت کمبود جای صفوف نمازگزاران به حجرات و مدرس رسید طلاب حق ممانعت ندارند (۹)

طبق نص صریح فصل چهارم وقف‌نامه اطاق بزرگ سمت شمال مخصوص یک مدرس است و هیچ‌کس حق هیچگونه تغییری در آن را ندارد (۱۰). از نکات قابل توجه این اطاق در آن بوده است. این در تا پایین از شیشه ساخته شده بود و این امکان را به معلم می‌داد که بر حیاط اشراف داشته باشد و آن‌جا را نیز کنترل کند. (این در علی‌رغم تأکید مؤکد وقف‌نامه در حال حاضر به دو در تبدیل شده و مدرس را انبار کرده‌اند).

۳-۳- تعیین اجزای بنا و عملکرد آن :

طبق فصل سوم وقف‌نامه اجزای بنا به شرح زیر تقسیم شده است :

الف - هشت حجره که سه حجره شرقی و چهار حجره غربی متعلق به چهارده نفر طلبه است (شماره‌های ۱ و ۶ و ۷ در نقشه) و یک حجره دیگر شرقی که جنب مسجد واقع شده مخصوص شخص کتابدار است (شماره ۴) و کتابخانه در عقب آن واقع شده است (شماره ۵). هر حجره دارای یک انباری کوچک است که به آن صندوقخانه گفته می‌شود (شماره ۳).

ب - اطاق بزرگ سمت شمالی صحن محل تدریس

طلاب و اختیارش با مدرس است (شماره ۸).

ج - مطبخ که در زاویه شرقی جنب مدرس است، جهت طبخ طلبه‌ها و همچنین طبخ در ماه محرم و یا طبخ نذری و خیرات برای طلبه‌ها و عموم مردم است (شماره ۱۱).

د - دالانی که در زاویه غربی مدرسه قرار دارد به دستشویی می‌رسد و درب آب‌انبار و شیر آن در آنجاست (شماره ۱۴) و حوض و نهر جاری که همگی وقف عموم مردم است به شرطی که باعث مزاحمت طلاب نشود.

ه - بالاخانه روی دالان که مخصوص منزل خادم‌هاست (۱۱).

و - دو انبار یکی واقع در مسجد که فقط جای گذاشتن زیلوه‌های نذر ماه مبارک رمضان است و همچنین جای مسینه‌آلات موقوفه تعزیه داری سیدالشهداء در محرم و چادر در صحن مدرسه و جای چراغ و فانوس‌های مسجد و چیزهایی از این قبیل (شماره ۱۲) و دیگری که درب آن در دالان غربی است و جای خنجه‌ها و سفره‌های زمان تعزیه داری و قلیان‌ها و چیزهایی از این قبیل است (۱۲) (شماره ۱۰).

۴-۳- مبلمان داخلی و تعریف وسایل و تجهیزات :

قبل از تعریف وسایل و مبلمان ذکر این نکته لازم است که کلیه وسایل به غیر از چادرها بنا بر درخواست واقف همگی قبل از افتتاح تهیه شده و چادرها را باید از محل درآمد رقبات موقوفه تأمین کرد.

۴-۳-۱- مبلمان مربوط به فضای امور دینی

این مبلمان خود به دو دسته مبلمان مسجد و مبلمان روضه‌خوانی تفکیک می‌شود.

- مبلمان روضه‌خوانی

واقف در متن وقف‌نامه وسایل روضه‌خوانی، زمان و نحوه استفاده از آن‌ها را دقیقاً مشخص نموده است (۱۳). وسایل فوق‌الذکر عبارتند از : دیگ‌های مسی در ابعاد مختلف، باطیه‌ها، پاتیل‌ها، انواع تشت و آبکش، مجمعه‌ها و غیره. طبق فصل یازدهم این وقف‌نامه این وسایل فقط در دهه عاشورا، دهه آخر صفر، روضه‌خوانی رجب و شعبان و رمضان و تهیه روز غدیر وقف شده و استفاده از آن در سایر موارد حرام است (۱۴).

- وسایل مسجد که طبق خواست واقف هیچگاه نباید از آنجا خارج شود (۱۵).

شانزده پارچه زیلوی یزیدی، بیست عدد چراغ شیشه‌ای آویز که سوی دو عدد چراغ برق است، یک عدد پیت آهنی جای نفت، یک عدد شمعدان مسی و گلگیر آهنی جهت کنار محراب، سه عدد پرده کرباس جهت درهای مسجد در زمستان، یک عدد منبر چوبی، یک عدد پیراهن منبر که از ماهوت سرمایه‌ای است، دو پارچه که شامل چهارده تخته پرده برای حایل ساختن بین زنان و مردان در هنگام نماز جماعت است، یک عدد فانوس شیشه‌ای روی شمعدان که در تابستان هرگاه امام جماعت بخواهد بر بام نمازگزاران باید آن را به پشت‌بام ببرد.

۴-۳-۲- مبلمان مربوط به فضای آموزشی

وسایل فوق‌الذکر خود به سه دسته وسایل مدرسه و وسایل معلم خانه و وسایل کتابخانه تقسیم می‌شود

وسایل مدرسه که نباید از آنجا خارج شود و آنچه متعلق به طلبان است در زمانی که مورد استفاده قرار نمی‌گیرد باید در صندوق خانه (۱۶) هر حجره قرار داده شود (۱۷).

یک دستگاه چراغ بالنظر بلور برای جلو خان مدرسه، یک عدد چراغ و فانوس شیشه‌ای بزرگ جهت دالان مدرسه، چراغ‌های متعلق به صحن و دستشویی و گلدسته سردر مدرسه، زیلوهای حجره‌ها و کتابخانه و مدرس، یکپارچه قالیچه عراقی متعلق به اتاق مدرس، دیگ‌ها، دیزی‌ها، مجمعه‌ها، سینی، بشقاب مسی به همراه آفتابه و تشت آهنی از هر کدام نه عدد برای حجره طلبان و کتابدار.

- وسایل معلم خانه اطفال فقرا و ایتم (۱۸):

زیلوی بزرگ یزدی و کتاب‌های قرآن، تعلیم، لیلی و مجنون، نهج البلاغه، دیوان‌ها و ... و یازده لوح حلبی جهت مشق اطفال، سی‌وشش عدد دوات مرکب، قفل و غیره است.

- کتاب‌های کتابخانه (۱۹):

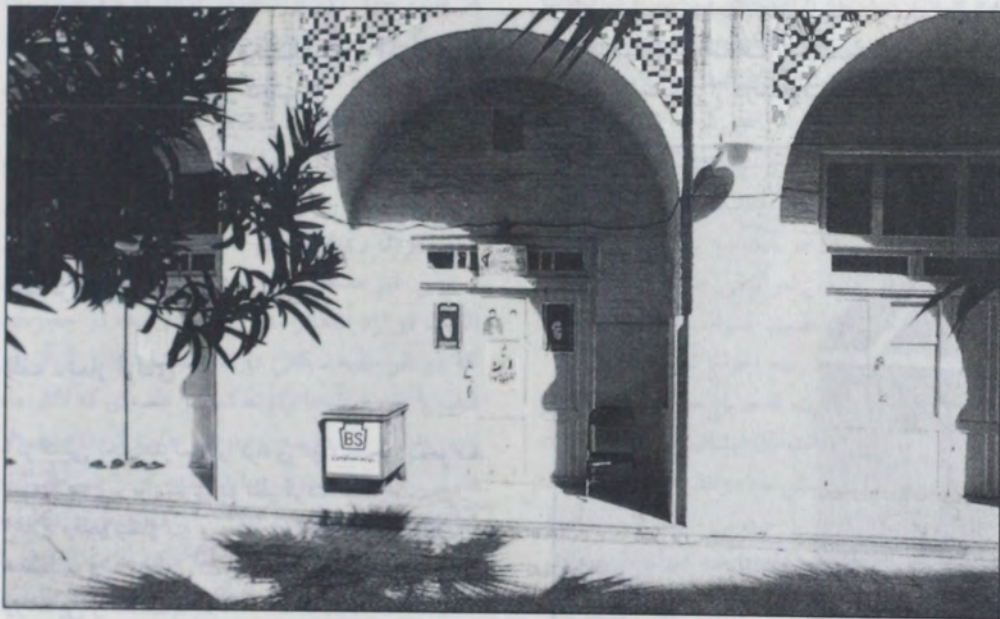
قرآن‌ها، مفاتیح، تفاسیر، کتب تاریخی، کلیات، دیوان‌ها و کتب اخلاق مشتمل بر سیصد جلد کتاب از جمله کتاب‌هایی است که واقف، وقف کتابخانه کرده است. همچنین یکصد جلد کتاب جواهر الاخلاق که باید در کتابخانه ضبط می‌شده تا سی سال بعد از نوشتن وقف نامه سپس ده جلد آن را به اهل آن (اشخاصی که صلاحیت دارند از علما و مردم معروف با دیانت و امانت یا روضه‌خوان‌های موصوف به این اوصاف) بدهند لغایت نه، ده سال که نود سال باشد و ده جلد آخر باید در خود کتابخانه بماند (۲۰).

۳-۵-۱- روشنایی مسجد (۲۱)

روشنایی شبستان مسجد به وسیله بیست عدد چراغ آویز شیشه‌ای و دو عدد چراغ برقی تأمین می‌گردد، محراب نیز به واسطه یک عدد شمعدان مسی روشن می‌شود.

۳-۵-۲- روشنایی مدرسه (۲۲)

جلو خان مدرسه، دالان مدرسه هر کدام به وسیله یک عدد چراغ بالنظر بلور روشن می‌شود. صحن مدرسه دارای چهار عدد چراغ شیشه‌ای، گلدسته سردر دارای هشت عدد و دستشویی دارای یک عدد چراغ است



یکی از حجرات

بجایگاه
 در مکان بزرگی
 نشانی
 آنکه یکسهم
 قرنی می ماند
 باران برای خدا
 سجد مدینه
 با سق بزرگ
 سمت شمال
 زنی چهارده سه
 فغانی دارد
 زنی و چهاردهم
 نزل سزای
 آنکه از هفت
 فغانی از هفت
 اخیری چهارده

پشت بام).

۲-۴- مراسم شب‌های جمعه و لیالی خاص

تسهیلات زیر برای موارد فوق‌الذکر در نظر گرفته شده است:

الف - شب‌های جمعه: انتخاب قاری و دادن حقوق به وی (۲۳).

ب - مراسم خاص ماه مبارک رمضان: تعیین وجهی برای آوردن واعظ، تأمین جا و وسیله برای طبخ غذا و اطعام طلباب و مستمندان در این ماه، تعیین سهمی از درآمد رقبات برای روضه، ختم

به لحاظ تأمین آسایش نمازگزاران و طلباب و دانش آموزان چهار و نیم سهم از مجموعه یکصدویست سهم تعیین شده در فصل ششم وقف‌نامه برای تأمین مخارج تعمیر و نقت مورد نیاز چراغ‌ها در نظر گرفته شده به شرطی که تا سه ساعت بعد از شب و ماه رمضان تا نزدیک سحر روشن باشند و هرآنچه از چهار و نیم سهم باقی ماند با آن نفت خریداری شده و به تساوی بین هفت حجره طلباب و حجره کتابدار تقسیم می‌شود.

۴- تحلیل متن وقف‌نامه از وجه عرصه‌های امور دینی:

واقف فعالیت‌های دینی زیر را در مسجد مجاز شمرده است:

۱-۴- تکالیف روزمره مسلمین

الف - نماز فرادی

اگر کسی بخواهد نماز را فرادی در مسجد بخواند تسهیلات زیر برای وی در نظر گرفته شده است: اعلام وقت نماز به وسیله مؤذن، محل وضو و دستشویی، محل نماز (فضای شبستان، زیلو، روشنایی و نظافت).

ب - نماز جماعت

برای نماز جماعت تسهیلات زیر در نظر گرفته شده است:

تعیین امام جماعت، مؤذن، مکتب و دادن حقوق آن‌ها، پیش‌بینی فضای نماز جماعت (شبستان، حیاط و

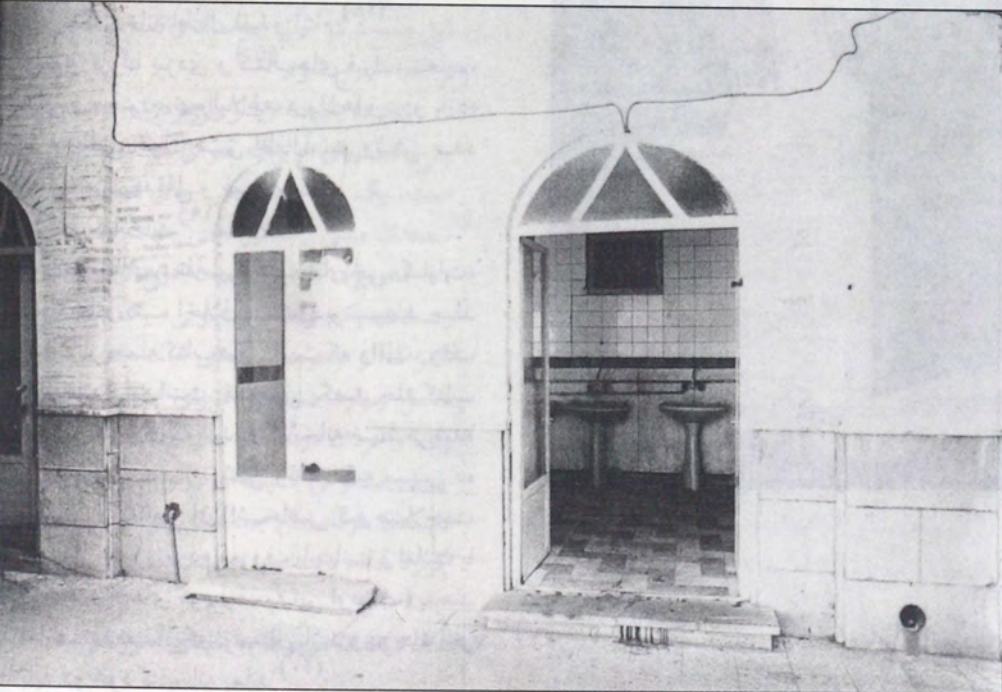
قرآن و اطعام طلباب در لیالی قدر (۲۴).

ج - تعیین سهمی برای روضه و ختم قرآن اطعام طلباب در نیمه ماه شعبان و رجب (۲۵).

د - تعیین سهمی برای تدارک عید غدیر و همچنین خرید کرباس ناشور برای لباس سادات فقرا (۲۶).

ه - روضه‌خوانی عاشورا و تعیین سهمی برای چای، قلیان، اجرت درویش مداح روضه‌خوانی (۲۷).

و - تعیین سهم و حق از جهت ده شب روضه‌خوانی در دهه آخر صفر همراه با چای و قلیان قهوه (۲۸) و ...



ورودی وضو

۵- تحلیل متن وقفنامه از وجه عرصه‌ها و برنامه‌ریزی آموزشی :

۱-۵- تعداد و شرایط طلبا

هر حجره دو طلبه که در کل چهارده طلبه می‌شود که قلم مقام ایشان برای پذیرفته شدن باید درس معنی و مطول باشد، طلبه باید متقی و طالب علم و مشغول به تحصیل علوم فقهیه و شرعیّه و بالغ و عاقل باشد و علاوه بر تحصیل حکمت و فقه، اصول را نیز باید بخواند. طلبه نباید غیر از طلبگی کار دیگر همچون : معلّمی در خانه‌ها، طبابت، روضه‌خوانی، وکالت یا رفتن به مجالس فاتحه و روضه یا مجالس عروسی و مهمانی داشته باشد (۲۹).

۲-۵- تعداد شاگردان و شرایط آنها

معلّم خانه همواره باید سی‌وشش شاگرد داشته باشد و در صورت اتمام تحصیل هریک از محصلین، متولّی باید یک نفر دیگر را جانشین آن کند. محصل باید از اطفال فقرا و اطفال ایتم بی‌باعث و بانی باشد. سادات در اولویت هستند و بر غیر سادات مرجح اگر طفلی کودن است و زحمت معلّم بر او اثر ندارد باید بلافاصله اخراج شود.

۳-۵- سن

سن محصلین حداقل هشت سال و حداکثر یازده سال تمام است.

۴-۵- نحوه تأمین امکانات

کتاب، درس، کاغذ، مشق، قلم، مرکب و یخ تابستان برای محصلین مجانی است. طلبا نیز مطابق وقفنامه هریک دو و یک چهارم از مجموع یکصد و بیست سهم درآمد حاصل از رقبات سهم می‌برند.

۵-۵- مدت تحصیل و نحوه امتحان

برای طلبا مدت تحصیل دوازده سال تمام است. نحوه امتحان به این صورت است که ناظر و متولّی هر سال یک مرتبه با حضور اساتید و علماء و رؤسای علوم طلبا مدرسه را امتحان نمایند و ترفیعات ایشان را در تحصیل علوم مذکوره در مدرسه بسنجند. در صورتی که ترقی ایشان فوق‌العاده بود، متولّی باید از پولی که به این منظور در نظر گرفته شده (و سه سهم از مجموع یکصد و بیست سهم است) به مقداری که خود صلاح می‌داند به او بدهد. بدیهی است کسی که یکسال در مدرسه به اسم تحصیل زیست کرده ولی در این امر ترقی حاصل نکرده است ماندن او در مدرسه طبق خواسته واقف حرام است (۳۰) و باید از مدرسه اخراج شود.

برای محصلین مدت تحصیل سه سال تمام برابر سی و شش ماه است. امتحان ایشان به این نحو است که متولّی در آخر هر شش ماه دو نفر از طلبا مدرسه را انتخاب می‌نماید که با حضور معلّم و مشاقق از شاگردان امتحان به عمل آورند. به کسانی که ترقی فوق‌العاده کرده‌اند در تابستان کلاه و پیراهن و شلوار و در زمستان لباده ماهوتی اعطاء نماید.

۶-۵- اهمیت به اطفال

شرط است هرگاه کسی از طلبا شکایتی داشته باشد به بهانه این که اطفال قیل و قال دارند و به واسطه

اصوات آنها ملول است و بخواهد تغییری در وضع اطفال بدهد، حق ندارد و هرگاه اصراری در این باب داشته باشد زیست او در این مدرسه حرام است و غاصباً در این مدرسه منزل دارد. ولی می‌تواند از متولّی و اساتید اطفال خواهش کند که به اطفال بسپارند چندان صداها را به جبر بلند نکنند، ولی بیش از این حق تحکم بر اطفال را ندارند.

۷-۵- مدت و شرایط سکنی

هر طلبه چهل روز از سال می‌تواند در نزد خویشان خود بگذراند و اگر چهل روز گذشت و به مدرسه مراجعت نکرد متولّی باید طلبه دیگری را جانشین کند. مطابق متن وقفنامه در هر حجره دو نفر باید سکونت داشته باشند ولی اگر این دو نفر بخواهند طلبه سومی را به نزد خود بیاوند (به شرط ساعی و کوشا بودن وی) متولّی حق ممانعت ندارد. ولی شخص غیر مشغول به تحصیل به هیچ عنوان حق اقامت در نزد آنها را ندارد و شرط شده در حجره‌ای که دو نفر طلبه سکنی دارند حداقل یکی از آن دو شب را باید در آنجا بیتوته کنند و طلبه‌ای که اکثر ماه را در خارج از مدرسه بوده حق طلب کردن سهم از متولّی را نداشته متولّی باید سهم او را بین طلبا ساکن به تساوی تقسیم کند (۳۱). همچنین در تکلیف طلبا است در هر شبانه روز اقلاً یک حزب از قرآن را تلاوت کنند و برای واقف و پدر و مادر وی طلب مغفرت کنند. مدت سکونت هر طلبه در حجرات مدرسه محمودیه دوازده سال تمام است و بیش از این حق سکونت ندارد (۳۲).

۶- تحلیل متن وقفنامه از وجه سازماندهی نیروی انسانی بنا :

و بدین
اصوات
با قدر سمّت
تبع الان بزید
و نیم از یکدانه
از چهار باب جمع
با نظام
عبارة اخیری
صلب یکدیگر
بقول آنهایی
اوله الان الی
داسم و نیم از یکدانه
بندک اخرد الی
الف و یک ربع
الان بزید جمع
از شش دانگ
مدک یکی از آن

نحوه انتخاب :

مادامی که واقف زنده است، تولیت با خود ایشان است مستهی از حق التولیه سهمی نمی برد و این سهم بر سایر سهام تقسیم می شود. در ضمن مادامی که واقف زنده است حق انتخاب امام جماعت، مدرس، کتابدار، طلباب، معلم، مشاق، قاری، مؤذن، خدام و مباشر با واقف است. بعد از فوت واقف دو نفر متولی به شرح مندرج در وقف نامه پیش بینی شده و واقف مقرر نموده هر دو متولی باید هم پاهای هم پست، بالمشاوره و المشارکه کارهای مربوطه را انجام دهند.

تکالیف :

توزیع سهام حاصل از درآمد موقوفه با اطلاع ناظر، حفظ و حراست اشیاء و اسباب و ظروف موقوفه و تأمین مجدد اسباب و اثاثیه معیوب و مفقود شده، خریداری کتب و رسیدگی به کتب کتابخانه، نظارت بر شروطی که در زمینه مدت حق ساکنان مدرسه و طلباب و محصلین آمده است، رسیدگی به حساب مباشر در آخر هر شش ماه با حضور سه نفر از طلبایی که هر شش ماهه به حکم قرعه انتخاب می شوند، انجام سایر اموری که به صلاح و صرفه موقوفه باشد.

ب - ناظر
شرایط :

تا زمانی که واقف زنده است، نظارت را رأساً به عهده دارد و بعد از واقف امر نظارت با متولی

مدرسه مرحوم حاجی محمدحسین خان مروی است.

تکالیف :

نظارت بر مصرف سهام عاید از درآمد موقوفه.

توضیح :

بدون استحضار و صوابدید ناظر، متولی در هیچ زمان حق مداخله در کارها را ندارد و متولی و ناظر باید به صلاحدید یکدیگر و مراعات مصلحت حال موقوفه امورات را انجام بدهند و هرگاه در امور متعلقه به مسجد و مدرسه محمودیه و مصارف منافع املاک موقوفه اختلافی میان ناظر و متولی واقع شود، متولی مستقل است.

ج - مباشر
شرایط :

عاقل، قابل، امین، متدین، باتقوی، فهیم، هوشیار، باکفایت، کاردان و کارگزار باشد.

نحوه انتخاب :

متولی و ناظر تعیین می فرمایند.

تکالیف :

رسیدگی کامل به کارهای مسجد و مدرسه به همه نوع و همه قسم حتی ازاله برف زمستان و

رسانیدن یخ طلباب و اطفال دبستان، سرکشی و رسیدگی به املاک موقوفه و مباشری آنها، جمع آوری مال الاجاره و منافع املاک موقوفه در موعد و موقع آن، انجام تعمیرات و اصلاحات لازم در مسجد و مدرسه محمودیه و یا در عین املاک موقوفه (با اذن و اجازه متولی و ناظر)، با حق تقدم پرداخت حقوق خادم و معلم اطفال و هزینه خرید کتب و کاغذ اطفال و روشنایی چراغ، توزیع درآمد رقیبات موقوفه براساس وقف نامه و ثبت اطلاعات آن در دفاتر مربوطه، فراهم آوردن زمینه کنترل شش ماهه هزینه دخل و خرج املاک با حضور متولی و ناظر و کتابدار و یکی از طلباب (به شرحی که واقف در وقف نامه تعیین نموده است).

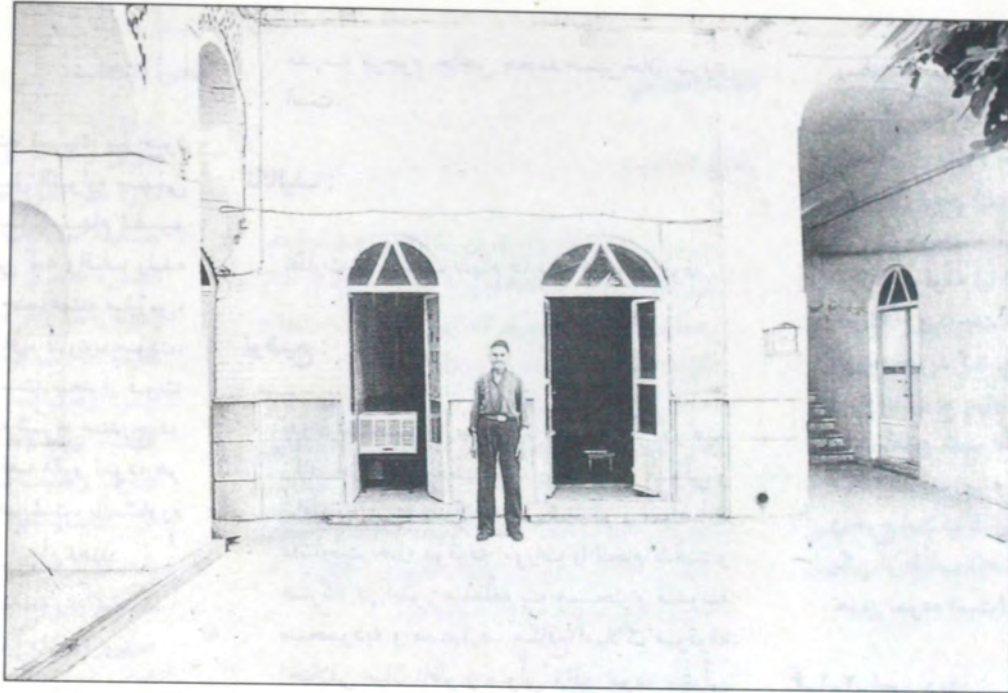
۱-۶-۲- امور دینی

الف - امام جماعت
نحوه انتخاب :

ناظر و متولی او را انتخاب می نمایند. متولی و ناظر حق ندارند اولاد امام جماعت را به امامت جماعت مسجد انتخاب نمایند، هرچند که او عالم، عادل، هر قدر با زهد و تقوی و طرف قبول عامه باشد. تکالیف امام جماعت به شرح زیر است :

برگزاری نماز ظهر و عصر، مغرب و عشاء، در مسجد، برگزاری نماز در اول وقت آن، تعیین واعظ ماه مبارک رمضان (مشروط بر این که او راستگو، متدین، طرف قبول عامه و خوش بیان بوده و متهم نباشد). قرائت یک حزب قرآن مجید در شبانه روز.

نم از کل شش
الست بیکلبر
م از بی و چهار
ی مزبده دود
رسمت عزیز دهر
نی سخن بر روی
لن متصل بیکل
نیکاب حجرت
نجمه خورد الا
بازده سهم و بی
القدر از نثر
سهم و تقیما موی



محل مدرس که برخلاف نص صریح وقف‌نامه ورودی آن تغییر یافته است.

پشتیبانی) را نیز تعیین نموده است.

۱-۶- گروه‌های زیر عبارتند از:

۱-۱-۶- مدیریت

شامل متولی و ناظر.

۲-۱-۶- امور دینی

شامل امام جماعت، قاری و مؤذن گلدسته.

می‌دانیم هر بنا دارای دو بعد است:

الف - فیزیک بنا (حجرات، صحن‌ها، شبستان و ...)

ب - روح بنا (کارکنان).

اصولاً ساخت فضا و مبلمان آن به تنهایی کافی نیست و اساس تحقق امر خیر در سازماندهی نیروی انسانی برای گرداندن و حفظ و نگهداری موقوفه نهفته است. لذا واقف علاوه بر تعیین اجزاء بنا و عملکرد آنها و تأمین مبلمان، چهارگروه (مدیریت، کادر امور دینی، کادر آموزشی، خدمات و

۳-۱-۶- امور آموزشی

شامل مدرّس، معلّم، و مشاق و کتابدار.

۴-۱-۶- خدمات پشتیبانی

شامل دو نفر خادم.

۱-۱-۶- ویژگی و شرایط کارکنان:

الف - متولی

صوت
امیرک از شدت
مجلسم از
تنگ از
رزیر از نهاد
و چهارم
نیست متصد
قارده سم و
توصل بزوان
هجرت واقعه
تعبیر وجو
کتاب حجرت
نیک از
لان کوچکی
نیم و نیم از
صحن سزای خد
نیم از بی و چهار

امین و پرهیزگار و مسأله‌دان باشند.

نحوه انتخاب :

متولی و ناظر تعیین می‌کنند.

تکالیف :

نظافت و پاکیزگی مسجد و مدرسه،
تمیز نگهداشتن چراغ‌های مسجد و مدرسه،
جلوگیری از دخول اطفال غیرممیز، هرزه گردان و
مجانین و مردمان مغشوش‌الحال به مدرسه و
مسجد، مواظبت از موقوف علیهم و ارایه
خدمات به آنان و ضبط اسبابی که نمازگزاران با
خود می‌آورند مثل کفش و غیره، ترتیب
روشنایی چراغ در مسجد به خصوص در ماه
رمضان و احیاء، محرم و صفر و ...

۷- تحلیل متن وقف‌نامه از وجه نحوه
تأمین درآمد :

۱-۷- تخصیص رقبات درآمدزا :

رقبه در لغت به معنی گردن و جمع آن در زبان عربی
رقبات است. بطور کلی رقبات واحدهای درآمدزای
موقوفه هستند که بدون آن‌ها امکان تحقق نیات
واقف میسر نیست. عموماً درآمد حاصل از رقبات در
درجه اول خرج تعمیر و نگهداری موقوفه می‌شود.
رقبات تخصیص داده شده به این موقوفه
عبارتند از (۳۳):

قناة عین‌الحیوة، قنات سردار، سه دانگ
بخچاوان، آب چاوان، گود یخچال (حدود هجده



ورودی کتابخانه که در حال حاضر دفتر متولی موقوفه شده است.

بندک
مورد سمن
از یکدانک
از یکجانب
از هر یک از سب
خداوندان
مکن براه بام
یک منضم
صلی یک یک
کعبه عیارة اخ
از یکجانب
نار ساهم و ن
بعین در راه
و دودانک
"الان کوچک
"الان کوچک
"الان کوچک
"الان کوچک

هزار ذراع)، یک باب محوطه دستگاه حصیربافی و تیرفروشی و سه باب دکان متصل به آن، زورخانه، دو حیاط محل سکونت واقف، دالان بزرگ سرای خدایی و متعلقات آن شامل:

چهل وسه حجره بزرگ و کوچک، یک آب انبار، پنج انبار، چهار دکه و شش دکان و همچنین یک خانه و سی و شش باب دکان در نقاط دیگر شهر تهران.

۲-۷- نحوه کنترل درآمد و رسیدگی به حساب:

سرکشی و رسیدگی به املاک موقوفه و مباشری آن‌ها، جمع‌آوری مال الاجاره و منافع املاک موقوفه در موعد و موقع آن از وظایف مباشر است. پس از مشخص شدن مقدار درآمد فوق‌الذکر مباشر آن را مطابق وقف‌نامه توزیع کرده و در دفاتر مربوطه ثبت می‌کند. هر شش ماه یکبار این دفاتر با حضور متولی و ناظر و کتابدار و یکی از طلاب کنترل می‌شود (۳۴). از این طریق است که موقوف علیهم نسبت به حقوق خود کنترل دارند.

۳-۷- نحوه تقسیم عایدات بنا و تعیین سهام:

مطابق فصل ششم وقف‌نامه، عایدات حاصل از رقبات مطابق فرمول زیر تقسیم می‌گردد: دو دهم از کل عایدات به چهار سهم تقسیم شده، دو سهم آن به متولی و دو سهم دیگر به مباشر و ناظر (هر کدام یک سهم) می‌رسد. باقیمانده به یکصد و بیست سهم مساوی تقسیم شده و به شرح زیر تقسیم می‌گردد: شعبه اول - سهام چهارده نفر طلبه که برابر است با سی و یک و نیم سهم از مجموع یکصد و بیست سهم. (سهم هر نفر طلبه دو و یک چهارم سهم). شعبه دوم - سهم حق‌التدریس مدرّس مدرسه برابر

هفت سهم و نیم.

شعبه سوم - سهم و حق امامت جماعت مسجد برابر هفت و نیم سهم.

شعبه چهارم - سهم و حق کتابدار که برابر سه و سه چهارم سهم.

شعبه پنجم - سهم و حق معلّم و مشاق برابر با شش سهم.

شعبه ششم - سهم و حق قاری که در شب‌های جمعه و لیالی متبرکه و ماه رمضان قرآن قرائت کند برابر با یک و نیم سهم.

شعبه هفتم - حق و سهم مؤذن گلدسته و مکبّر سه سهم.

شعبه هشتم - حق و سهم دو نفر خادم مسجد برابر شش سهم.

شعبه نهم - سهم و حق چراغ به شرطی که تا سه ساعت بعد از شب و در ماه رمضان تا نزدیک سحر روشن باشد برابر با چهار و نیم سهم (اگر از پول نفت چیزی اضافه ماند باید مباشر با آن نفت خریده به تساوی بین هشت حجره طلباب و کتابدار تقسیم نماید).

شعبه دهم - جایزه و پاداش متولی به طلبایی که در امتحان موفق بوده‌اند، چنانکه در فصل ۵ - ۵ آمده است و هرگاه طلبه‌ای مریض شود و مرض او طول بکشد و بی‌معاش ماند متولی و ناظر از این سهم حقی برای او در نظر گیرند که برابر است با سه سهم.

شعبه یازدهم - سهم و حق سه نفر طلبه که در آخر هر شش ماه به حساب متولی و مباشر رسیدگی می‌کنند. چنان که در فصل ۷-۲ آمده است برابر با یک سهم.

شعبه دوازدهم - پاداش متولی به شاگردانی که در امتحان موفق بوده‌اند. چنان که در فصل ۵-۵ آمده

است و هرگاه محصلی مریض شود و مرض او طول کشد و بی‌باعت و بانی باشد، متولی و ناظر سهمی برای او در نظر می‌گیرند که برابر است با دو سهم.

شعبه سیزدهم - سهم و حق خرید کتاب، کاغذ، قلم، مرکب، یخ تابستان، ذغال سنگ زمستان و تعمیر پرده و حصیر معلّم خانه اطفال برابر با یک و نیم سهم.

شعبه چهاردهم - سهم و حق برای خرید کتب علمیه و کتاب‌هایی که متولی هر شش ماه یکبار برای کتابخانه خریداری می‌کند برابر با دو و نیم سهم.

شعبه پانزدهم - سهم و حق حصیر مسجد و اتاق‌های مدرسه و جارو و پاروی مدرسه برابر با یک و نیم سهم.

شعبه شانزدهم - حق واعظ ماه مبارک رمضان. چنان که در فصل ۴-۲ آمده است برابر با سه سهم.

شعبه هفدهم - سهم و حق روضه، ختم قرآن و اطعام طلباب در شب نیمه رجب برابر با یک و نیم سهم.

شعبه هجدهم - سهم و حق روضه، ختم قرآن و اطعام طلباب در نیمه شعبان برابر با یک و نیم سهم.

شعبه نوزدهم - سهم و حق روضه، ختم قرآن و اطعام طلباب در شب قدر برابر با یک و نیم سهم.

شعبه بیستم - سهم و حق جشن عید غدیر به شرح ذیل:

نصف این سهم‌ها را کرباس ناشور خریده و باقی آن را به شکل پول نقد بین سادات و فقرا تقسیم می‌نماید که برابر است با شش سهم.

شعبه بیست و یکم - سهم و حق روضه‌خوانی دهه عاشورا که چای، قلیان، اجرت درویش و مدّاح و روضه‌خوان را نیز شامل می‌شود برابر با شش

و یک چهارم سهم.

شعبه بیست و دوم - سهم و حق روضه خوانی در دهه آخر صفر که چای، قلیان، قهوه، اطعام طلباب و فقراء و روضه خوان را نیز شامل می شود.

شعبه بیست و سوم - سهم و حق بستگان واقف و نتایج وی اگر خدای ناخواسته فقیر شوند برابر با دو و نیم سهم.

۸- تعمیر و نگهداری بنا :

۸-۱- تعریف تعمیرات و شمول آنها :

ازالۀ برف مسجد، تعمیر تلمبه آب حوض واقع در صحن و همچنین رفع کمبود متعلقات، وسایل حجرات و تعمیر فانوس ها و ... همگی جزو مواردی است که در فصل بیست و چهارم ذکر شده و برای آنها سهمی از عایدات رقبات در نظر گرفته شده است (۳۵)

۸-۲- مدیریت تعمیرات و تکلیف آنها

تعمیرات در مسجد مدرسه و موقوفات مطابق وقفنامه به وسیله مباشر و با اذن متولی و ناظر صورت می پذیرد (خرید کتاب و وسایل مستهلک بر عهده شخص متولی است (۳۶).

۸-۳- نحوه تخصیص هزینه تعمیرات از محل رقبات

اگر موقوفه نیاز به تعمیر داشت متولی ابتدا باید سهم خود، ناظر، مباشر، خادم و معلم اطفال، کتب، کاغذ، قلم، مرکب اطفال و روشنایی چراغ مدرسه را مطابق فصل بیست و چهارم و فصل ششم وقفنامه جدا کند

و الباقی را خرج تعمیرات نماید که طبق خواسته واقف عمران و آبادی املاک موقوفه حتی اگر سالها طول کشد بر سایر مخارج و مواجب بگیران مقدم است (۳۷). اگر پس از تعمیر چیزی باقی ماند متولی باید آن را مطابق بخش ۷-۳ تقسیم نماید (۳۸).

۸-۴- برفروبی

طبق فصل بیست و چهارم وقفنامه برفروبی جزء تعمیرات است و مطابق خواست واقف بعد از سهم

متولی، ناظر، مباشر، خادم، معلم اطفال، کتب، کاغذ، قلم، مرکب و روشنایی مسجد بر سایر کارها و مخارج ارجحیت دارد (۳۹).

۸-۵- نظافت

از وظایف دو خادم است و علاوه بر سهمی که برای دو خادم در نظر گرفته شده برای جارو و پاروی آنها نیز سهمی در نظر گرفته شده است (۴۰).



یکی از واحدهای تجاری جنب مسجد - مدرسه محمودیه که به عنوان رقبه موقوفه عمل می نماید.

ایستادگان
شأن اطفال
کلاس سرور
ادم مسجد
ای مسجد
روشنی
هر چه اضافه
نیکم است
ان کاملاً در
باب مدرسه
نامی کنند انا
ار متولی
مباشراً
از هم
اندر
نظر در

کتابخانه ملی
کتابخانه مجلس
کتابخانه آیت الله العظمی بروجردی
کتابخانه آیت الله العظمی خراسانی
کتابخانه آیت الله العظمی مازندرانی
کتابخانه آیت الله العظمی قزوینی
کتابخانه آیت الله العظمی تبریزی
کتابخانه آیت الله العظمی قمی
کتابخانه آیت الله العظمی رشتی
کتابخانه آیت الله العظمی سنندژی
کتابخانه آیت الله العظمی سمنانی
کتابخانه آیت الله العظمی شاهرودی
کتابخانه آیت الله العظمی همدانی
کتابخانه آیت الله العظمی یزدی
کتابخانه آیت الله العظمی کرمانی
کتابخانه آیت الله العظمی اهلی
کتابخانه آیت الله العظمی اصفهانی
کتابخانه آیت الله العظمی بروجردی
کتابخانه آیت الله العظمی خراسانی
کتابخانه آیت الله العظمی مازندرانی
کتابخانه آیت الله العظمی قزوینی
کتابخانه آیت الله العظمی تبریزی
کتابخانه آیت الله العظمی قمی
کتابخانه آیت الله العظمی رشتی
کتابخانه آیت الله العظمی سنندژی
کتابخانه آیت الله العظمی سمنانی
کتابخانه آیت الله العظمی شاهرودی
کتابخانه آیت الله العظمی همدانی
کتابخانه آیت الله العظمی یزدی
کتابخانه آیت الله العظمی کرمانی
کتابخانه آیت الله العظمی اهلی
کتابخانه آیت الله العظمی اصفهانی

جمع بندی :

با عنایت به این که تدقیق و بازخوانی متون وقفنامه‌ها، اطلاعات ارزشمندی را در باب گذشته معماری و شهرسازی این مرز و بوم در اختیار قرار می‌دهد، از بازخوانی وقفنامه حاضر و مقایسه تطبیقی سایر وقفنامه‌ها می‌توان نتایج زیر را تحصیل نمود :

- ۱- بررسی فیزیکی و کالبدی بناهای گذشته، بدون توجه به نیات بنیانگذاران آن‌ها که به واقع روح حاکم بر بنا را تشکیل می‌دهند، میسر نیست و در این راستا تا آنجا که ممکن است باید به مستندات مکتوب، منجمله و وقفنامه‌ها توجه خاصی می‌دول داشت.
- ۲- جدا از آنچه که به عنوان اصول حاکم بر معماری سنتی ایران نام برده می‌شود، عملکردهای مورد نیاز بنیانگذاران بنا، وجه حاکم و غالب را در نحوه شکل‌گیری بنا تشکیل می‌دهد. لذا بدون در دست داشتن چنین اطلاعاتی، توسل به تحلیل‌های نظری محض که فاقد استوانه و پشتوانه‌های عینی باشد، نه تنها راهگشا نیست، بلکه اغلب گمراه کننده نیز به شمار می‌رود.
- ۳- بنیانگذاران در گذشته تنها به فیزیک بنا تأکید نداشتند و مسایلی چون آسایش استفاده کنندگان، تداوم بنا در بستر زمان را به عینه در آثار خود پیش‌بینی و رعایت می‌کرده‌اند.
- ۴- بناهای به‌جا مانده از گذشته به نحو عینی و محسوس بیانگر جهان‌بینی اعتقادی بنیانگذاران آن بوده است.
- ۵- کالبد و سازماندهی فضاها، به ویژه در بناهایی که جنبه مذهبی دارند قبل از آن که متأثر از اصول

پانویس :

زیبایی‌شناسی باشند از احکام فقهی تأثیر می‌پذیرفته است. متأسفانه نقش اساسی این وجه مهم از آثار گذشتگان تاکنون کمتر مورد توجه پژوهندگان قرار گرفته است.

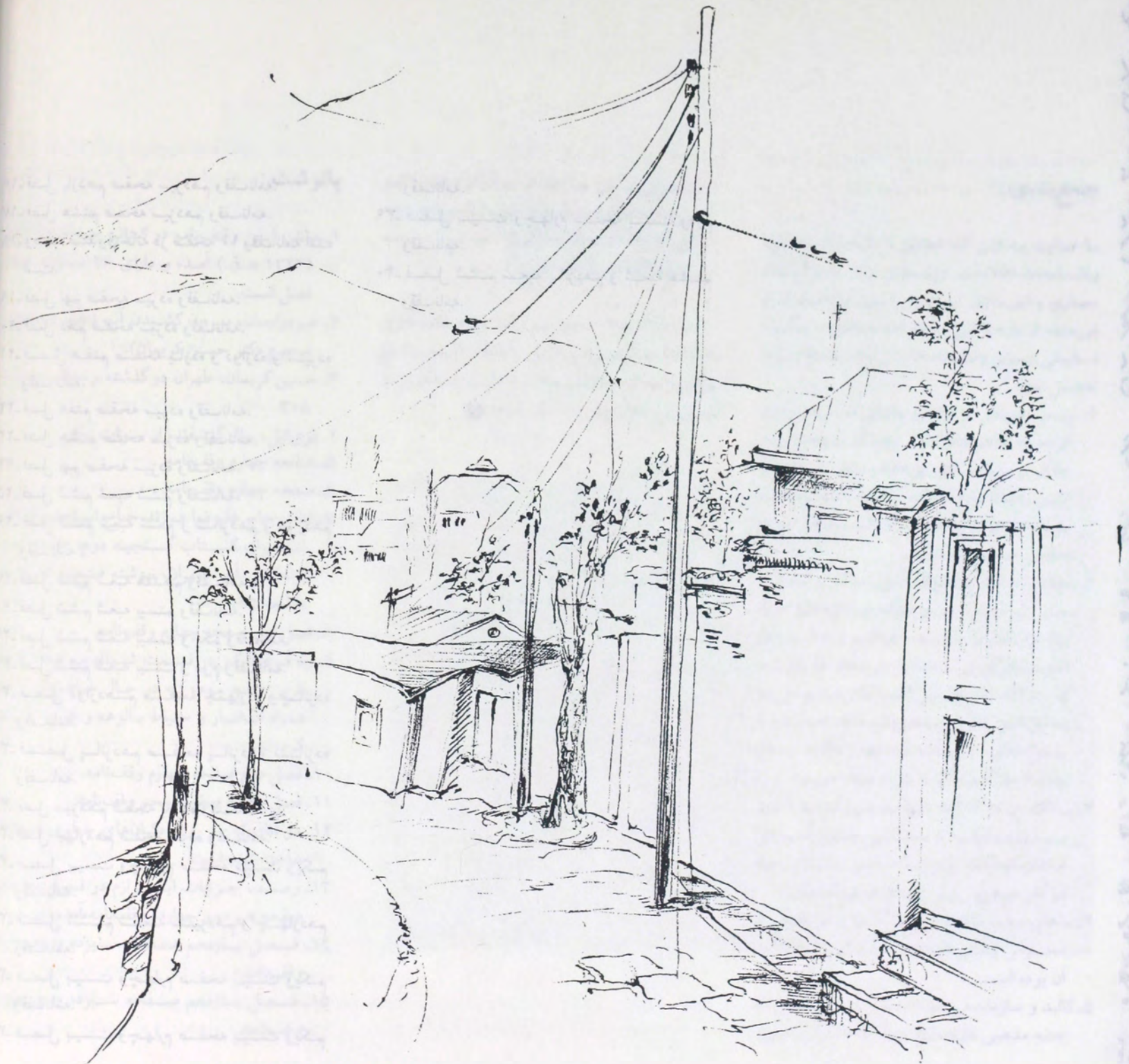
در خاتمه از آقای سیدرضا امام دانشجوی دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهیدبهشتی تهران به لحاظ برداشت پلان محل و همکاری در تدوین این مقاله نهایت تشکر را دارم ●

- ۱- متن این وقفنامه در کتاب جواهرآلانی (۱۳۲۴ ه. ق.) آمده و دارای ۲۶ صفحه و ۲۸ فصل است.
- ۲- عوداجان، بیرون کشیدن آب (طهران قدیم، مرحوم دکتر حسین کریمان).
- ۳- حسین کریمان، طهران در گذشته و حال، صفحه ۳۰۸
- ۴- قوی‌نیل، سال گوسفند، از سنوات ترکی.
- ۵- صفحه چهارم وقفنامه.
- ۶- صفحه چهارم وقفنامه.
- ۷- قنات حاج علیرضا فرزند حاج ابراهیم کلانتر شیراز، کتاب گنجینه دوم، دفتر دوم، لوله‌کشی آب طهران، نوشته فتح‌اله کشاورز، صفحه ۱۴۵
- ۸- فصل اول صفحه چهارم وقفنامه.
- ۹- راه فوق‌الذکر در قسمت شمال موقوفه زاویه غربی واقع بوده که در حال حاضر آن را به همراه آب‌انبار و حیاط بالوعه و غیره خراب کرده‌اند.
- ۱۰- فصل دوم صفحه چهارم وقفنامه.
- ۱۱- فصل چهارم صفحه پنجم وقفنامه.
- ۱۲- دو اتاق که بر روی دکان‌های جلوی موقوفه ساخته شده است.
- ۱۳- وصف جزئیات این لوازم در فصل یازدهم صفحه سیزده و چهارده وقفنامه آمده است.
- ۱۴- فصل یازدهم صفحه سیزده و چهارده وقفنامه.
- ۱۵- فصل یازدهم صفحه سیزده و چهارده وقفنامه.

- ۱۶- فصل یازدهم صفحه سیزدهم وقفنامه.
 ۱۷- فصل هشتم صفحه سیزدهم وقفنامه.
 ۱۸- وصف صندوقخانه در صفحه ۱۰ وقفنامه آمده است.
 ۱۹- فصل نهم صفحه سیزدهم وقفنامه.
 ۲۰- فصل دهم صفحه سیزدهم وقفنامه.
 ۲۱- فصل هفتم صفحه یازدهم و دوازدهم و سیزدهم وقف نامه.
 ۲۲- فصل هفتم صفحه سیزدهم وقفنامه.
 ۲۳- فصل هشتم صفحه سیزدهم وقفنامه.
 ۲۴- فصل نهم صفحه سیزدهم وقفنامه.
 ۲۵- فصل ششم شعبه ششم وقفنامه.
 ۲۶- فصل ششم شعبه ششم و شانزدهم و نوزدهم وقفنامه.
 ۲۷- فصل ششم شعبه هفدهم وقفنامه.
 ۲۸- فصل ششم شعبه بیستم وقفنامه.
 ۲۹- فصل ششم شعبه بیست و یکم وقفنامه.
 ۳۰- فصل ششم شعبه بیست و دوم وقفنامه.
 ۳۱- فصل دوازدهم صفحه چهاردهم و پانزدهم وقفنامه.
 ۳۲- فصل پانزدهم صفحه پانزدهم و شانزدهم وقفنامه.
 ۳۳- فصل سیزدهم صفحه پانزدهم وقفنامه.
 ۳۴- فصل چهاردهم صفحه پانزدهم وقفنامه.
 ۳۵- فصل بیست و چهارم صفحه بیست و یکم وقفنامه.
 ۳۶- فصل ششم شعبه سیزدهم و چهاردهم وقفنامه.
 ۳۷- فصل بیست و چهارم صفحه بیست و یکم وقفنامه.
 ۳۸- فصل بیست و چهارم صفحه بیست و یکم

- وقفنامه.
 ۳۹- فصل بیست و چهارم صفحه بیست و دوم وقفنامه.
 ۴۰- فصل ششم شعبه پانزدهم و شعبه هشتم وقفنامه.

بجای آن مشور
 عاشق نازد
 بقدرت شاه
 هم و حق سیر
 ایست و بیخ
 کز خانه مد
 در محفل کجا
 اشک بر وید
 نامشهر که باب
 هر دم و حق
 و نغمه پر کرده
 عینت که محتاج
 بکس مشغول نبوده
 ای هم و حق
 جبار شاه
 و شعبه راه
 و...



برگ جهان*

گاهگاهی کسی از کوچه عبوری دارد
فش فش برگ چه شوری دارد
کوچه با کوچه به نجوا مدیثی دارد
قصه هجرت شادی چه رنجی دارد
پیری از دور سلامی دارد
کودک بی خبری قصد نشاطی دارد
مردی از تنهایی ،
برگ تقدیر به دستی دارد
چشم جاننش به نوشته نگاهی دارد
مزن، در وسعت این خاک
به اندازه تنهایی اوست
اشک، در مردم دیده به مهمانی اوست
شاید امروز کسی در بزند
آفتاب از همه جاسربزندا

زهره عمادی

تابستان ۱۳۷۴

صبح صادق به دری می‌کوبد
مثل نانی به سر سفره عشق
بوی پاییز همه جا می‌پیچد
یکی از پنجره دلتنگی،
دست در دست افق می‌گیرد
قلم گرم زمان رنگ به رنگ،
طرح دلی می‌ریزد
برگی از برگ جهان به فاطری می‌لرزد
نفس اطلسی از باغچه بر می‌فیزد
پیچک فانه همسایه به فود می‌نازد
زلف آشفته مجنون به جان می‌تازد
فانه از درد کهن می‌نالند
فشفت در قاب خیال می‌گیرد
دست ویرانگر باد بر تن او می‌کوبد
فای غربت به سر گاهی با هم می‌پاشد



با هدف آشنایی از نقش ارزشمند استادکاران معماری سنتی ایران در خلق آثار گرانبها و به منظور قدردانی از آنان و برای آن که معماری امروز ما تنها به معرفی آثار باقیمانده از گذشته بسنده نکند و خالق این آثار نیز به محضر پژوهندگان و دانشجویان رشته معماری معرفی شوند، در شماره‌های گذشته (صفحه) با استاد حاجی علی اکبر آخوند خرمی از معماران سنتی شهر یزد، استاد محمدرضا بنام، معروف به استاد رضا از چهره‌های شناخته شده معماری سنتی تبریز، استاد اسمعیل زهره، کاشی تراش و طراح خط معروف اصفهانی آشنا شدیم. این شماره به معرفی استاد محمد غلامعلی شهرباف معروف به حاج محمد پی‌بند، هنرمند تهرانی اختصاص دارد.

استاد شهرباف که در مقرنس، رسمی‌بندی، یزدی کاری، کاربندی، کاسه‌سازی، گره‌چینی و ...

از نوادر زمان خود بوده‌اند، متأسفانه در خرداد ماه ۱۳۷۴ دارفانی را وداع گفتند و در کمال تعجب هیچیک از مراکز علمی و پژوهشی نیز از ایشان که نود و دو سال به معماری این مرز و بوم خدمت کرده بودند و آثار بی‌شماری در ایران و اماکن متبرکه خارج از کشور از خود به جا گذاشته‌اند، قدردانی و تجلیل به عمل نیاوردند.

